

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شناسنامه کتاب :

نام کتاب: رسیدگی شوراهاى حل اختلاف ویژه اطفال

محقق: مهدى خالصى

کارشناسى و تنظيم: فهيمه سلطانى

نظارت: غلامرضا موحدیان، مهدى خالصى

تايپ: سميه بيرجندى

صفحه آرايى: سميه شاگردى



معاونت آموزش قوه قضائیه

رسیدگی شوراهاى حل اختلاف ویژه اطفال

گام به گام با شورای حل اختلاف (۲۵)

معاونت آموزش قوه قضائیه

۱۳۸۶

قوه قضائیه، معاونت آموزش

رسیدگی شوراهای حل اختلاف ویژه اطفال - گام به گام با شورای حل اختلاف (۲۵) / تهیه
کننده اداره کل آموزش کارمندان - اداره آموزش شورای حل اختلاف. - قم: نشر قضا؛ ۱۳۸۶
۴۸ ص. - (نشر قضا؛ ۳۳۶)

ISBN: ۹۷۸-۹۶۴-۵۳۴-۱۲۷-۳

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا

۱. شورای حل اختلاف - قوانین و مقررات - ایران. ۲. حل اختلاف - ایران. الف. اداره
کل آموزش کارمندان، معاونت آموزش. ب. عنوان.

۳۴۷/۵۵۰

۱۸۲۹/ق۹۹ KMH

۱۳۸۶



نشر قضا

رسیدگی شوراهای حل اختلاف ویژه اطفال

زیر نظر معاونت آموزش قوه قضائیه، اداره کل آموزش کارمندان

ناشر: نشر قضا

چاپ اول: قم، زمستان ۱۳۸۶

شمارگان: ۲۰ هزار نسخه

لیتوگرافی، چاپ و صمافی: الهادی

* * *

همه حقوق ویژه ناشر است

«نسخه حاضر از بودجه بیت المال تهیه شده و قابل خرید و فروش نمی‌باشد.»

«نظریات مطروحه در این کتاب الزاماً دیدگاه معاونت آموزش قوه قضائیه نیست.»

تهران: ف. حافظ شمالی، (رهبروی دانشگاه صنعتی امیرکبیر، نبش ف. سمیه، ساختمان شماره ۳ قوه قضائیه)

معاونت آموزش قوه قضائیه تلفن: ۴۰ - ۸۸۹۲۳۶۲۳ و ۷۰ - ۸۸۹۱۹۴۶۵ (۰۲۱)

پست الکترونیک: info@law-training.ir



فهرست مطالب

| | |
|---|----|
| مقدمه | ۷ |
| پیش‌گفتار | ۹ |
| فصل اول- کودک یا طفل به چه کسی اطلاق می‌شود و مسؤلیت او از جنبه کیفری در نظام حقوقی ایران | ۱۱ |
| فصل دوم- نقش روانشناسی کیفری در دادگاه اطفال | ۱۳ |
| فصل سوم- ضرر و زیان ناشی از جرایم اطفال | ۱۵ |
| الف: از جنبه کیفری | ۱۵ |
| ب: از جنبه حقوقی | ۱۹ |
| فصل چهارم- بزهکاری اطفال | ۲۱ |
| فصل پنجم- عوامل مؤثر در ارتکاب جرم اطفال بزهکار | ۲۳ |
| فصل ششم- تشریفات رسیدگی به جرایم اطفال | ۲۶ |
| فصل هفتم- جایگزین‌های مجازات در جرایم اطفال و بالغین زیر ۱۸ سال | ۳۱ |
| فصل هشتم- جبران خسارت مادی و معنوی ناشی از بزهکاری اطفال و نقش گذشت شاکی در آن | ۳۲ |
| ۱- صلاحیت شورا در دعاوی حقوقی مطروحه | ۳۲ |
| الف: مطالبه خسارت نسبت به اموال منقول | ۳۳ |
| ب: مطالبه خسارت نسبت به اموال غیرمنقول | ۳۳ |
| ۲- صلاحیت شورا در امور کیفری | ۳۳ |
| ۳- ایجاد صلح و سازش از طریق شورای حل اختلاف | ۳۴ |
| گفتار اول: در امور حقوقی | ۳۴ |
| گفتار دوم: در امور کیفری | ۳۴ |
| گفتار سوم: اقدامات عملی حاصل از نتایج صلح و سازش و گذشت | ۳۵ |



- فصل نهم- نحوه اجرای رأی پرداخت خسارت مالی با حصول سازش ۳۸
- ضمائم: ۳۹
- ۱- بخشنامه به رؤسای کل دادگستری‌های سراسر کشور، سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور به منظور تشکیل شورای حل اختلاف ویژه اطفال ۳۹
- ۲- قانون حمایت از کودکان و نوجوانان ۴۰
- ۳- فصل نهم- سازش و درخواست آن ۴۱
- مبحث اول- سازش ۴۱
- مبحث دوم- درخواست سازش ۴۲
- ۴- موادی از قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری ۴۳
- ۵- مبحث سوم- صلاحیت دادگاه از قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری ۴۵



حضرت آیت‌ا... هاشمی شاهرودی رئیس محترم قوه قضائیه:

«برخی مفاهیم و موضوعاتی که به لحاظ نوپیدایی و نیاز دستگاه مناسب است در اولویت برنامه‌های آموزشی قرار گیرد به قرار ذیل است:.. توسعه و تعمیق آموزشهای مربوط به اعضای شوراهای حل اختلاف و نیز دبیرخانه آنها به منظور کارآمدسازی و ارتقای سطح علمی و عملی شوراهای حل اختلاف»

شوراهای حل اختلاف به موجب ماده ۱۸۹ قانون برنامه سوم توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی پایه‌گذاری شده و آیین‌نامه اجرایی قانون مزبور در مرداد ۱۳۸۱ به تصویب هیأت محترم وزیران و سپس به تایید رئیس محترم قوه قضائیه رسید، ماده ۱۳۴ قانون برنامه چهارم توسعه نیز مهلت اجرای آن را تا پایان برنامه چهارم (۱۳۸۸) تعیین نموده است.

به موجب آیین‌نامه قانونی مزبور و برنامه پنج ساله دوم توسعه قضایی و همچنین تاکیدات مکرر ریاست محترم قوه قضائیه، امر آموزش اعضای شوراهای حل اختلاف در اولویت برنامه‌های آموزشی معاونت آموزش قوه قضائیه قرار گرفته و از سال ۱۳۸۱ تاکنون دوره‌های آموزشی متعدد و متنوع تدوین و اجرا و منابع آموزشی مختلف اعم از کتاب و کتابچه به زبان ساده تهیه و در سطح کشور توزیع شده است و این روند تکاملی تداوم دارد. متون آموزشی که در قالب کتابچه و تحت عنوان «گام به گام با شورای حل اختلاف» تدارک شده و کتابچه حاضر نیز نمونه‌ای از آن است به



دلیل سادگی و انتقال صریح مفاهیم و تبیین نحوه رسیدگی صحیح در شوراها با استقبال گسترده اعضای شورای حل اختلاف مواجه شده و این معاونت توسعه و تقویت آن را در دستور کار دارد، ضمن اینکه آگاهی از کاستیها می‌تواند ما را در غنی‌سازی مجموعه متون آموزشی توانمند سازد امید داریم کتابچه حاضر مورد استفاده علاقمندان قرار گرفته و از نظریات اصلاحی صاحب‌نظران بهره‌مند شویم.

معاونت آموزشی قوه قضائیه



پیش‌گفتار

کودکی، دوران پایه‌گذاری شخصیت انسان است و سلامت روانی و جسمی انسان بستگی شدید به چگونگی گذران این دوران دارد، به علت رشد نایافتگی جسمانی و عقلانی کودک ایجاب می‌کند قانونگذار حمایت‌های خاص خود را متوجه این گروه از جامعه نماید. نهادها و قوانین حمایتگر برای جبران ناتوانی کودک از حفظ حقوق خویش نقش مؤثری دارند. اسلام بر اهمیت حفظ شؤون کودک و تنظیم قواعد رفتاری با وی تأکید فراوان نموده است. قرآن کریم به پاکی سرشت کودک در هنگام تولد و خالی بودن آن از هر آلاشی، اشاره نموده است و تربیت کودک را از این جهت که، این نهاد پاک قادر است خوبیها و بدیها را با چشم و گوش و عقل خویش ببیند، واجد اهمیت دانسته است.^۱ مولای متقیان حضرت علی بن ابیطالب «ع» در ارزش کودکی و نوجوانی چنین فرموده‌اند: «قلب نوجوان مانند زمینی خالی است که هر چه در آن افکنده شود می‌پذیرد»^۲ حفظ قداست و ارزش دوران کودکی بر عهده فرد فرد دولتمردان است و قانونگذار نیز در این وادی سهمی ویژه دارد. وظیفه قانونگذار در جهت دادن قدرت اجرائی به بایدها و نبایدها و وضع مقرراتی برای حفظ حقوق افراد جامعه است، اما آنچه اهمیت این‌گونه حمایتها را در مورد کودک پُر رنگ‌تر می‌نماید شکل‌گیری وجود انسان و ابعاد شخصیتی وی در این مرحله از زندگی است. قوانین کیفری امروزه بر مبنای فرض مسؤولیت بنا شده است اطفال به خاطر فقدان قدرت شعور و تمیز کامل، معاف از مجازات شناخته می‌شوند، در عین حال سهل‌انگاری در تربیت و تهذیب کودکان و نوجوانان بزهکار سبب تشویق آنان به ادامه امر بزهکاری می‌شود و این امر خطرات بزرگی برای جامعه در بر خواهد داشت. به ویژه آنکه اگر جلوی تبهکاری آنان گرفته نشود، به هنگام بلوغ این هدف به سختی صورت خواهد گرفت. همچنین گسترش روزافزون جوامع، زندگی نوین اجتماعی، پیچیدگی فناوری و به دنبال آن تغییرات مستمر در شرایط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، ظهور بزه یا جرم را به شیوه‌های مختلف و در سطح وسیعی، افزایش می‌دهد، که بازتاب آن به نوعی در بطن جامعه تأثیر گذاشته و آن را متحول می‌سازد. در جریان این

^۱- آیه ۷۸ سوره نحل، والله اخرجکم من بطون امهاتکم لاتعلمون شیئاً و جعل لکم السمع والابصار و الافئده لعلکم تشکرون.

^۲- امام علی (ع) نهج البلاغه.



تحولات کودکان به عنوان آسیب‌پذیرترین نقش‌آفرینان صحنه جرم در قالب بزهکار و بزه دیده همواره مورد توجه ویژه جوامع مترقی بوده‌اند و دولتمردان و سیاستگذاران را بر آن داشته‌اند تا با نظر گرفتن احساسات و عواطف کودک در رسیدگی به جرایم ارتكابی آنها نظام دادرسی خاصی را اعمال نمایند. قانونگذار در سال ۱۳۳۸ با تصویب قانون تشکیل دادگاه اطفال بزهکار به انجام این امر مهم همت گماشته و بدین ترتیب دادگاه اطفال تأسیس و کانون اصلاح و تربیت به جای زندان مأمّن اطفال بزهکار گردید. در حال حاضر مواد ۲۱۹ به بعد قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ در رسیدگی به جرایم اطفال شرایطی را به نفع کودکان در نظر گرفته است، از جمله تشکیل دادگاه ویژه اطفال، الزام قاضی به انجام تحقیقات مقدماتی، تشکیل پرونده شخصیت برای طفل بزهکار و الزام به تعیین وکیل برای طفل فاقد سرپرست و نیز غیرعلنی بودن دادرسی و محاکمات در دادگاه اطفال و متعاقباً در زمان تصدی حضرت آیت‌اله هاشمی شاهرودی ریاست معظم قوه قضائیه لایحه قضائی تحت عنوان تشکیل دادگاه اطفال و نوجوانان تقدیم مجلس شورای اسلامی گردیده که در نوبت رسیدگی و تصویب قرار دارد. همچنین در سال ۱۳۸۱ مقرراتی در قالب قانون حمایت از کودکان و نوجوانان وضع گردیده و نیز طبق ماده ۴ آئین‌نامه اصلاحی مصوب مورخ ۱۳۸۱/۱۱/۹ ریاست قوه قضائیه در اجرای قانون دادگاههای عمومی و انقلاب تخصیص شعبی به دادگاه اطفال مورد تصریح واقع شده است. که این نوشتار در صدد است با نگاه اجمالی به تعریف طفل و مسؤولیت کیفری او در نظام حقوقی ایران و تشریفات دادرسی کیفری اطفال و جرایم آنها و تعقیب و تحقیق و رسیدگی به جرایم ایشان به منظور بهره‌گیری اعضاء محترم شوراهای حل اختلاف ویژه اطفال مورد استفاده قرار گیرد.



فصل اول- کودک یا طفل به چه کسی اطلاق می‌شود و مسئولیت او از جنبه کیفری در نظام حقوقی ایران

۱- کودک:

طفل، یا صغیر در اصطلاح حقوقی، به کسی گفته می‌شود که از نظر سن به رشد و نمو جسمی و روحی لازم برای زندگی اجتماعی نرسیده است بنابراین جهت تعریف واژه کودکی باید به واقعیت‌های زیستی، روانی، اجتماعی توجه ویژه‌ای معطوف گردد. در حقوق ایران منظور از طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد.^۱ و سن بلوغ برای دختران و پسران به ترتیب نه سال و پانزده سال تمام قمری تعیین شده است^۲ در خصوص کودکان بزه دیده افراد زیر هجده سال مشمول قانون حمایت از کودکان و نوجوانان ویژه کودک بزه دیده قرار دارند^۳ و به هر حال از بدو تولد تا آغاز بلوغ را دوران کودکی می‌نامند.

۲- بزهکاری:

بزهکاری در معنا و مفهوم لفظی، عبارت از ترک انجام وظیفه قانونی و یا ارتکاب عمل خطایی است، که الزاماً عنوان جرم ندارد. مع‌ذلک اصطلاح بزه غالباً معادل جرم، و به ویژه در ارتباط با جرایم ارتكابی از سوی کودکان بکار می‌رود. از نظر حقوقدانان هر فعل یا ترک فعلی که مطابق قانون مشمول مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی قرار گیرد جرم یا بزه نامیده می‌شود.

۳- بزه دیدگی:

بزه دیده، شخصی است که به جهت وضعیت و موقعیت خاص، متحمل پیامدهای دردآور و مشقت‌باری می‌شود، که عواملی با ریشه‌های فیزیکی و روانی و اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و حتی طبیعی دارد. به عبارت دیگر اگر در اثر یک خسارت قطعی، آسیبی به تمامیت یک شخص وارد آمده باشد و جامعه نیز آن را قبول داشته باشد آن شخص بزه‌دیده است.^۴

^۱- تبصره یک ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی.

^۲- تبصره یک ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی.

^۳- مواد ۱ و ۸ از قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱.

^۴- مباحثی در علوم جنائی تقریرات سال ۱۳۸۱ دکتر نجفی ابرندآبادی.



۴- مسؤولیت کیفری طفل

مطابق مواد ۲۱۹ و ۲۲۰ از قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری اصولاً متهمین به دو گروه سنی تقسیم شده‌اند: گروه اول کلیه کودکانی هستند که هنوز به سن بلوغ نرسیده‌اند که حسب ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی سن پسر ۱۵ سال قمری و دختر ۹ سال قمری تعیین شده است، و گروه دوم کلیه افرادی هستند که به بلوغ شرعی رسیده‌اند، لیکن هنوز سن آنها به ۱۸ سال تمام نرسیده باشد یعنی کسانی را که سن آنها بین ۱۵ تا ۱۸ سال باشد را در بر می‌گیرد. در خصوص مجرمین گروه اول طبق تبصره ماده ۲۱۹ قانون آئین دادرسی کیفری و ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی هرگاه طفل مرتکب جرم شده و قانوناً به عنوان مجرم شناخته شود طبق ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی^۱ چون اطفال مبراً از مسؤولیت کیفری هستند و تربیت آنها با نظر دادگاه به عهده سرپرست اطفال و عندالاقضاء کانون اصلاح و تربیت اطفال می‌باشد و نیز وفق تبصره ۲ ماده ۴۹ قانون مذکور هرگاه برای تربیت اطفال بزهکار تنبیه بدنی آنها ضرورت پیدا کند تنبیه می‌باید به میزان مصلحت باشد که بر حسب مورد یکی از تصمیمات ذیل در مورد آنها اتخاذ خواهد شد:

۱- تسلیم طفل به ولی یا سرپرست قانونی او با اخذ تعهد مبنی بر تأدیب و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق کودک و عدم تکرار جرم از ناحیه او.

۲- تنبیه بدنی که منظور اصلاح و تربیت کودک بزهکار است.

۳- اعزام کودک به کانون اصلاح و تربیت جهت نگهداری به منظور تأدیب و اصلاح کودک. و در خصوص گروه دوم؛ که به افرادی از کودکان که به بلوغ شرعی رسیده لیکن سن آنها به ۱۸ سال تمام نرسیده که با توجه به تبصره ماده ۲۲۰ قانون آئین دادرسی کیفری رسیدگی به جرایم آنها طبق مقررات عمومی بوده و قانونگذار در مجازات آنها تفاوتی با بزرگسالان قایل نشده است، و فقط از جهت محل نگهداری در کانون اصلاح و تربیت تحمل کیفر می‌نماید و از ارفاقاتی از قبیل غیرعلنی بودن محاکم و تعیین و کیل تسخیری و غیره استفاده می‌نماید.

^۱ ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی: اطفال در صورت ارتکاب جرم مبراً از مسؤولیت کیفری هستند و تربیت آنان با نظر دادگاه به عهده سرپرست اطفال و عندالاقضاء کانون اصلاح و تربیت اطفال می‌باشد. تبصره یک: منظور از طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد. تبصره دو: هرگاه برای تربیت اطفال بزهکار، تنبیه بدنی آنان ضرورت پیدا کند تنبیه بایستی به میزان مصلحت باشد.



فصل دوم- نقش روانشناسی کیفی در دادگاه اطفال

مطالعه و شناخت وضعیت روانی کودکان تحت نظر متخصصان روانشناسی در جریان رسیدگی به بزهکاری اطفال و نوجوانان می‌تواند در سرنوشت قضائی و قانونی و تصمیم‌گیری منصفانه درباره گروههایی از کودکان، پس از بررسی‌های کامل روان‌شناختی و اظهار نظر کارشناسی یاری رساند، که از جمله تشکیل پرونده شناخت شخصیت کودک یا نوجوان بزهکار که دارای نقص ذهنی و... معلولیت‌های جسمی و یا شناسائی کودکان و نوجوانان ناسازگار که دارای ویژگی‌های شخصیتی و عصبی و روانی مستعد ارتکاب جرم هستند، از قبیل کودکان هیجان طلب و خطر جو، کودکان دارای اختلال تکانه‌ای یعنی کودکان حادثه‌ساز، کودکان دارای اختلال روانی خفیف (افسردگی) و کودکان دارای اختلال در سلوک و رفتار و کودکان صرعی^۱ و شناسایی کودکان و نوجوانان دارای اختلال شدید روانی که دارای درجاتی از جنون هستند. یادآوری این نکته ضروری است که کلیه اختلالات روانپزشکی در افراد دارای نقص ذهنی هم دیده می‌شود، غالباً میزان ابتلای این کودکان به اختلالات رفتاری و روان‌پزشکی مانند کودکان سالم است، اما تظاهر علائم بیماری‌های روانی ممکن است در این نوع کودکان تفاوت‌هایی داشته باشد. به زبان ساده می‌توان گفت افرادی که دارای بیماری روانی هستند، زندگی خود را با هوش بهنجار آغاز می‌کنند اما به دلایل مختلف می‌توانند بیمار شوند و از بهنجار فاصله بگیرند، در حالی که افراد مبتلا به نقص ذهنی هرگز از هوش بهنجار برخوردار نبوده‌اند، یا در نوزادی آن را از دست داده‌اند یا در اوایل زندگی و یا با نقص ذهنی متولد می‌شوند و در ارزیابی نقص ذهنی بررسی کارکرد اجتماعی و خانوادگی و تحصیلی فرد در ارزیابی نقص ذهنی ضروری است. گاهی با کودکانی در کانون اصلاح و تربیت اطفال روبرو می‌شویم که به علت فقر شدید مادی و فرهنگی از یک طرف، و اشکال در مراقبت‌های اولیه مانند تغذیه و بهداشت محیط و بهداشت فردی و بی توجهی به واکسیناسیون و فقر محرک‌های فیزیکی، روانی و عاطفی لازم از طرف دیگر، از قافله رشد بهنجار عقب مانده‌اند و بدون آنکه ضایعه عضوی داشته باشند عقب‌مانده محسوب می‌شوند. روانشناسان اطفال پس از سنجش بهره هوشی اطفال و نوجوانان بزهکار با مصاحبه روانی و تهیه شرح حال و بررسی سوابق رفتاری در خانواده و همچنین

^۱ - مجله حقوقی و قضائی دادگستری شماره ۳۷، صفحه ۱۰۴، سال ۱۳۸۰.



وضعیت تحصیلی و دیگر مهارت‌های اجتماعی و ملاک قرار دادن تمام اطلاعات در مورد میزان عقب‌ماندگی آنها، اظهارنظر می‌نمایند و تا اطلاعات کافی از فرد به دست نیاید، برچسب عقب‌ماندگی به فردی نمی‌توان زد. پژوهشگرانی که معتقدند هوش کودکان تأثیر غیرمستقیم بر جرم دارد به این نتیجه رسیده‌اند، بهره‌های پایین افراد موجب ضعف توانایی‌های کلامی اطفال می‌شود، و این ضعف باعث عملکرد ضعیف تحصیلی شده و عملکرد تحصیلی ضعیف و آموزش ناکافی ارتباط پایداری با بزهکاری دارد. این پژوهشگران در بررسی‌های خود دریافته‌اند اگر اطفال پُرخطر دارای بهره‌های هوشی نسبتاً بالایی باشند احتمال کمتری دارد که دست به رفتارهای مجرمانه بزنند^۱ امروزه کارشناسان کانون اصلاح و تربیت سازمان زندانها پس از تشکیل دادگاه اطفال برای رسیدگی به پرونده‌های متشکله همکاری خود را با قضات دادگاه اطفال آغاز نموده و در مواردی که با اطفالی روبرو می‌شوند که دارای درجاتی از نقص ذهنی یا اختلال رفتاری هستند و بررسی‌ها نشان می‌دهد این حالات در ارتکاب بزهکاری آنان مؤثر بوده است به دادگاه رسیدگی‌کننده گزارش لازم را ارائه می‌دهند. از طرف دیگر برخی از شعب دادگاه اگر در جریان رسیدگی احساس کنند نیاز به نظریه روانشناختی دارند، از کارشناسان واحد روان‌شناسی برای شرکت در جلسه دادگاه دعوت به عمل می‌آورند و نتایج نظریه روان‌شناسی آن‌چنان قابل توجه است که در صدور احکام جدید که با رویه قضائی سابق تفاوت دارد تأثیر بسزائی به جا نهاده است. همچنین تجربه عملی نشان داده همکاری واحد روان‌شناسی و برخی شعب دادگاه اطفال در صورتی که کارشناسان روان‌شناس در جریان محاکمه کودکان و نوجوانان به طور عام (چه عادی و چه استثنائی) به عنوان آنچه قانون از آن به عنوان «اهل خبره» نامبرده است، شرکت نمایند حقوق اطفال به میزان زیادی رعایت خواهد شد و مجازات مناسبی، با توجه به شرایط کودک و مسؤولیت نسبی یا در شرایط رفع مسؤولیت کیفری، اتخاذ خواهد شد.

^۱ - مجله حقوقی و قضائی دادگستری، شماره ۳۷، صفحه ۱۰۶، سال ۱۳۸۰.



فصل سوم- ضرر و زیان ناشی از جرایم اطفال

الف: از جنبه کیفری

در دنیای امروز بخشی از جرایم از قبیل: دزدیها، خرید و فروش و پخش مواد مخدر و افیون را باند‌های چند نفری کودکان و نوجوانان انجام می‌دهند، که اگر از فقدان مسؤلیت جنایی خود آگاه شوند و بدانند که از نظر قانون، کیفری در جرایم آنان مدنظر گرفته نشده، دیگر هیچ نیرویی نمی‌تواند جلو گمراهی و کجروی آنان را بگیرد لذا بهترین راه معالجه آنان اجرای اقدامات کیفری در مورد آنان است. هر چند صرف نظر از کشف جرم، دلایل آن و تعقیب و... تحقیق و اثبات اتهامات در رسیدگی به جرایم اطفال، مهمترین هدف شناسائی شخصیت طفل و علل بزهکاری و اتخاذ تدابیر لازم برای اصلاح و تربیت طفل مجرم و پیشگیری از ارتکاب مجدد جرم در آینده از سوی طفل است. بنابراین لازم است مراجعی تخصصی و قضائی مطلع از علوم روز مانند روان‌شناسی کودک، مسایل اجتماعی و فرهنگی و با همکاری پزشکان و روان‌پزشکان و جامعه‌شناسان به جرایم کودک رسیدگی و تصمیمات مقتضی از لحاظ اصلاح و تربیت و معالجه طفل بزهکار اتخاذ نمایند. در حقوق اسلام، ملاک و مسؤلیت کیفری و مجازات بر اساس قاعده «شرایط عامه تکلیف» و بلوغ جنسی افراد ذکور و اناث می‌باشد، و بر طبق این قاعده اطلاق که به مرحله بلوغ جنسی و توانایی مواجهه و آمیزش با جنس مخالف خود نرسیده‌اند، چنانچه مرتکب جرمی شوند از مسؤلیت مبرّی هستند، و این قاعده در عصر حاضر در کلیه نظامات کیفری در مورد تشخیص مسؤلیت کیفری اطفال لازم‌الرعایه است.

به هر حال از بدو تولد تا آغاز بلوغ، را دوران کودکی می‌نامند که به دو دوره مشخص تقسیم می‌گردد و کودک در دوره نخستین زندگی فاقد تمییز و تشخیص می‌باشد و بین خوبی و بدی و سود و زیان و دوست و دشمن تفاوتی نمی‌گذارد و درک و شعور چندانی ندارد و به کودک در این دوره طفل غیر ممیّز می‌گویند، در دوره دوم، کودک رفته‌رفته نیروهای عقلانی و فهم و درکش رشد یافته و به حد تمییز می‌رسد، در این دوره کودک سود و زیان خود را می‌شناسد و بین خوبی و بدی تفاوت قائل می‌شود، حداقل سن تمییز هفت‌سالگی است ولی ممکن است برخی از کودکان دیرتر یا زودتر به سن تمییز برسند، کودک ممیّز در کودکی همچنان باقی می‌ماند تا هنگامی که به بلوغ نزدیک می‌شود و در آستانه آن قرار گیرد و با رسیدن به بلوغ دوران مسؤلیت و تکلیف آغاز



می‌شود، کودک را در دورهٔ دوم طفل ممیز می‌نامند،^۱ مراد از بلوغ اغلب بلوغ طبیعی منظور است^۲ که ویژگی‌های مردی و زنی پدید می‌آید. نخستین اثر بلوغ در اعضای تناسلی بروز می‌کند همه فقهای عظام شیعه معتقدند که کیفرهای حد و... قصاص از کودک ممیز و غیرممیز به دلیل حدیث رفع قلم برداشته شده است و کودک فاقد مسؤلیت جنائی است و اکثر فقها گفته‌اند که کودک هرگاه مرتکب عمل بزهکارانه شود به جای حد، کیفر تعزیر درباره او اجراء می‌گردد که از حد سبک‌تر است لیکن این تعزیر نه به عنوان کیفر بلکه برای تربیت و تهذیب اوست، و چون هدف از وضع قوانین بازدارنده از ارتکاب جرم، تعلیم و تربیت و اصلاح اطفال و نوجوانان بزهکار است، به همین منظور قوانین موضوعه در بسیاری از کشورها برای اطفال دادگاهی خاص و مجزا به نام دادگاه اطفال پیش‌بینی نموده‌اند که صلاحیت رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان زیر ۱۸ سال را دارند و نتایج تصمیمات و آراء دادگاه اطفال باید تعلیم و تربیت و اصلاح و درمان و بازسازی اطفال بزهکار باشد. به همین اعتبار نیز آنها را از زندانیان بزرگسال جدا و در مرکزی موسوم به کانون اصلاح و تربیت نگهداری می‌کنند و روشهای متخذه در این کانونها همگی جنبه ارشادی و اصلاحی و تربیتی دارد در کشور عزیزمان ایران نیز برای تأمین همین مقاصد قانونگذار در تاریخ ۱۳۲۸/۶/۲۸ با تصویب رساندن قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در فصل پنجم آن به تشکیل دادگاه اطفال و ترتیب رسیدگی به جرایم اطفال اشاره شده است (مواد ۲۱۹ لغایت ۲۳۱)^۳ به موجب ماده ۲۱۹ قانون مذکور در هر حوزه قضائی در صورت نیاز یک یا چند شعبه از دادگاههای عمومی برای رسیدگی به کلیه جرایم اطفال تشکیل می‌گردد و برای تسهیل در امر رسیدگی به جرایم اطفال کلیه تشریفات مربوط به رسیدگی اعم از تعقیب و تحقیق و رسیدگی صدور حکم و اجرای آن به عهده قاضی دادگاه واگذار گردیده است. همچنانکه ماده ۲۲۱ قانون آئین دادرسی کیفری مقرر نموده است در جرایم اطفال رسیدگی مقدماتی اعم از تعقیب و تحقیق با رعایت مفاد تبصره ماده ۴۳ همان قانون توسط دادرس یا به درخواست او توسط قاضی تحقیق انجام می‌شود، دادگاه کلیه وظایفی را که برابر قانون به عهده ضابطین می‌باشد رأساً به عمل خواهد آورد و هرگاه در جریان رسیدگی نیاز به تحقیقاتی در خصوص وضعیت روحی و روانی طفل یا

^۱ دکتر علیرضا فیض، حقوق جزای اسلامی، مقارنه و تطبیق.

^۲ همان.

^۳ بند ۴ ضمائم.



خانواده او و محیطی که در آن زندگی می‌کند لازم باشد، قاضی دادگاه می‌تواند از نظر افراد متخصص و خبره و صلاحیتدار استفاده نماید.^۱

رسیدگی به جرایم اطفال علنی نمی‌باشد زیرا تبلیغات پر سر و صدا در اطراف جرایم اطفال و نوجوانان از طرفی موجب تشویق مجرمین جوان و از طرف دیگر سرنوشت مجرمین نوجوان که مورد محاکمه و احیاناً محکومیت قرار می‌گیرند تأثیرات سوء می‌بخشد و فقط اولیاء و سرپرستان قانونی طفل و وکیل مدافع و شهود و مطلعین و نماینده کانون اصلاح و تربیت که دادگاه حضور آنان را لازم بداند، حق حضور خواهند داشت و انتشار اطلاعات و جریان دادگاه به وسیله مطبوعات و عکسبرداری و تهیه عکس و افشای هویت و مشخصات طفل متهم به طور کلی ممنوع است و قانونگذار برای متخلف مجازات قانونی در نظر گرفته است به همین جهت ماده ۲۲۵ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب چنین مقرر نموده است: «رسیدگی به جرایم اطفال علنی نخواهد بود و در ادامه اشعار داشته؛ در دادگاه فقط اولیاء و سرپرست قانونی طفل و وکیل مدافع و شهود و مطلعین و نماینده کانون اصلاح و تربیت در صورتی که دادگاه حضور آنان را لازم بداند حاضر خواهند شد و ضمانت اجرای تخلف از انتشار جریان محاکمه از طریق رسانه‌های گروهی و یا فیلمبرداری و تهیه عکس از طفل متهم و اعلام هویت او را در ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی^۲ تعیین نموده است و همان طوری که در ماده ۲۲۵ قانون مزبور آمده است به انعکاس جنبه روانی محاکمه در دادگاه نسبت به کودکان (اطفال و بالغین زیر ۱۸ سال) توجه شده است. مسأله مهم دیگر این است که به قاضی دادگاه اطفال اجازه داده شده است در صورت مصلحت طفل، در غیاب وی به پرونده رسیدگی و حکم مقتضی صادر و حکم صادره حضوری محسوب می‌گردد.

چنانکه در ماده ۲۲۶ همان قانون مقرر گردیده است: در صورتی که مصلحت طفل اقتضاء نماید، رسیدگی در قسمتی از مراحل دادرسی در غیاب متهم انجام خواهد گرفت در هر حال رأی دادگاه حضوری محسوب می‌شود و در صورتی که در ارتکاب یک جرم عده‌ای از افراد بزرگسال همکاری و مشارکت داشته باشند فقط رسیدگی به جرایم اطفال در دادگاه رسیدگی‌کننده به جرایم

^۱ - مجله حقوقی و قضائی دادگستری، شماره ۳۴، سال ۱۳۸۰.

^۲ - اطباء و جراحان و ماماها و دارو فروشان و کلیه کسانی که به مناسبت شغل و حرفه محرم اسرار می‌شوند هرگاه در غیر از موارد قانونی اسرار مردم را افشاء کنند به سه ماه و یک روز تا یک سال حبس و یا به یک میلیون و پانصد هزار تا شش میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شوند.



اطفال رسیدگی خواهد شد. مسأله دیگری که بسیار مهم و حائز اهمیت است این است، که در رسیدگی به جرایم اطفال نیاز به حضور ولی و سرپرست قانونی طفل یا وکیل تعیینی و در صورتی که ولی یا سرپرست قانونی اقدام به تعیین وکیل نکند، و خود نیز در جلسه دادگاه حاضر نشود دادگاه ملزم است برای طفل وکیل تسخیری تعیین و تا حضور وکیل دادرسی را به تعویق بیندازد، زیرا رسیدگی به جرایم اطفال بدون حضور ولی و سرپرست قانونی و یا وکیل تسخیری، فاقد وجهت قانونی است و از موارد نقض حکم می‌باشد و این معنا را قانون‌گذار در ماده ۲۲۰ قانون مذکور، تصریح نموده است.

مطابق مواد ۲۱۹ و ۲۲۰ قانون آیین دادرسی کیفری اصولاً متهمین به دو گروه سنی تقسیم شده‌اند:

گروه اول؛ کودکانی هستند، که هنوز به سن بلوغ نرسیده‌اند که طبق ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی سن پسر ۱۵ سال قمری و دختر ۹ سال قمری تعیین شده است.

گروه دوم؛ نوجوانانی هستند که به بلوغ شرعی رسیده‌اند ولی هنوز سن آنها به ۱۸ سال تمام نرسیده باشد یعنی افرادی را که سن آنها بین ۱۵ تا ۱۸ سال باشد را در بر می‌گیرد.

در خصوص مجرمین گروه اول طبق تبصره ماده ۲۱۹ قانون آیین دادرسی کیفری و ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی هرگاه طفل مرتکب جرم شده و قانوناً به عنوان مجرم شناخته شود، چون اطفال مبراً از مسؤولیت کیفری هستند و تربیت آنها با نظر دادگاه به عهده سرپرست اطفال و عندالافتضاء کانون اصلاح و تربیت اطفال می‌باشد و بر مبنای تبصره ۲ قانون اخیرالذکر هرگاه برای تربیت اطفال بزهکار تنبیه بدنی آنها ضرورت پیدا کند، تنبیه می‌باید به میزان مصلحت باشد.

بر حسب مورد یکی از تصمیمات ذیل در مورد اطفال اتخاذ خواهد شد:

۱- تسلیم طفل به ولی یا سرپرست قانونی او یا اخذ تعهد، مبنی بر تأدیب و تربیت و مواظبت در حُسن اخلاق کودک و عدم تکرار جرم.

۲- تنبیه بدنی، که منظور اصلاح و تربیت کودک بزهکار باشد.

۳- اعزام کودک به کانون اصلاح و تربیت جهت نگهداری به منظور تأدیب و اصلاح کودک. بنابراین همانطور که قبلاً بیان گردید قاضی اطفال می‌بایست تمام امور مربوط به رسیدگی به جرایم اطفال را اعم از تعقیب و تحقیق را شخصاً انجام دهد و البته در صورت نیاز، جهت ادامه تحقیقات و جلوگیری از تبانی یا فرار متهم یا امحای آثار جرم از سوی او و یا نظر به اهمیت



موضوع جرم تا صدور حکم طبق ماده ۲۲۴ قانون آیین دادرسی کیفری، طفل متهم تا صدور رأی و اجرای آن در کانون اصلاح و تربیت به طور موقت نگهداری خواهد شد.

در تبصره ۱ ماده ۲۲۴ قانون مذکور چنین آمده است: «در صورتی که نگهداری طفل برای تحقیقات یا جلوگیری از تبانی نظر به اهمیت جرم ضرورت داشته باشد، یا طفل ولی یا سرپرست نداشته باشد یا ولی و یا سرپرست او حاضر به التزام یا دارای وثیقه نباشد و شخص دیگری نیز به نحوی که فوقاً اشاره شد التزام یا وثیقه ندهد طفل متهم تا صدور رأی و اجرای آن در کانون اصلاح و تربیت به صورت موقت نگهداری خواهد شد، و در صورت عدم وجود کانون به تشخیص دادگاه در محل مناسب دیگری، نگهداری خواهد شد.»

در خصوص مجرمین گروه دوم: افرادی که به ۱۸ سال تمام نرسیده‌اند با توجه به تبصره ماده ۲۲۰ قانون آیین دادرسی کیفری رسیدگی به جرایم آنها طبق مقررات عمومی بوده و قانونگذار در مجازات آنها تفاوتی با بزرگسالان قایل نشده است و فقط از لحاظ محل نگهداری در کانون اصلاح و تربیت تحمل کیفر می‌نمایند و از ارفاقات قانونی از قبیل غیرعلنی بودن محاکم و تعیین و کیل تسخیری و غیره استفاده می‌نمایند.

ب: از جنبه حقوقی

مسئولیت صغیر در مواد ۱۲۰۷ و ۱۲۱۶ قانون مدنی به ترتیب این‌چنین بیان شده است:
ماده ۱۲۰۷، اشخاص ذیل محجور و از تصرف در اموال و حقوق مالی خود ممنوع هستند:

۱- صغار

۲- اشخاص غیررشید

۳- مجانین

ماده ۱۲۱۶، هرگاه صغیر یا مجنون یا غیررشید باعث ضرر غیر شود ضامن است.
با بیان مقررات مذکور مشخص می‌گردد که در قانون مدنی که منبعث از حقوق اسلامی است، مسئولیت عینی صغیر حتی بدون بروز تقصیر از ناحیه او چنانچه مرتکب عملی شود که منتهی به ضرر و زیان مالی به غیر گردد مسلم دانسته شده و بر این مبنا مسئولیت شخص محجور اعم از ممیز و غیر ممیز مورد قبول واقع شده و مطابق اصل است و قاعده فقهی معروف که عنوان داشته «من له الغنم فعلیه الغرم» یعنی هر کس که غنیمت می‌برد غرامت هم باید تحمّل نماید، مؤید این نظر است.



لیکن در حقوق جدید ایران در ماده ۷ قانون مسؤولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ اینگونه اشعار داشته؛ کسی که نگاهداری یا مواظبت مجنون یا صغیر قانوناً یا بر حسب قرارداد به عهده او می‌باشد در صورت تقصیر در نگاهداری یا مواظبت مسؤول جبران زیان وارده از ناحیه مجنون یا صغیر می‌باشد و در صورتی که استطاعت جبران تمام یا قسمتی از زیان وارده را نداشته باشد، از مال مجنون یا صغیر زیان جبران خواهد شد و در هر صورت جبران زیان باید به نحوی صورت گیرد که موجب عسرت و تنگدستی جبران‌کننده زیان نباشد.

اصولاً وارد کننده زیان باید تمام خسارات وارده را جبران نماید و با جبران خسارت باید زیان دیده در وضعی قرار گیرد که قبل از ورود خسارت داشته است و عسرت و تنگدستی جبران‌کننده زیان نباید باعث شود که زیان یا قسمتی از آن بدون جبران بماند، و تنها ماده ۱۲۱۵ قانون مدنی یک مورد برای عدم مسؤولیت صغیر غیرممیز و مجنون بدین شرح ذکر کرده است: «هرگاه کسی مالی را به تصرف صغیر غیرممیز یا مجنون بدهد، صغیر یا مجنون مسؤول ناقص یا تلف شدن آن مال نخواهد بود» عدم مسؤولیت صغیر در این باره بدین‌گونه توجیه می‌شود که در اینجا کسی که مال را به تصرف صغیر غیر ممیز یا مجنون داده سبب خسارت محسوب می‌شود که به قول معروف سبب اقوی از مباشر است و از این لحاظ مسؤولیت طبق ضوابط قانون مدنی و فقه اسلامی به عهده مسبب خواهد بود نه مباشر.

لیکن اگر شخص مال را به تصرف صغیر ممیز بدهد از آنجا که صغیر ممیز دارای قوه درک و تشخیص است و می‌تواند مال را نگاهداری کند، یا در حفظ آن مرتکب تقصیر شود، در این فرض سبب اقوی از مباشر محسوب نمی‌شود و مسؤولیت تلف یا نقص به عهده خود مباشر است.



فصل چهارم - بزهکاری اطفال

بزهکاری در معنا و مفهوم عبارت از ترک انجام وظیفه قانونی و یا ارتکاب عمل خطائی است که الزاماً عنوان جرم ندارد مع ذلک اصطلاح بزه غالباً معادل جرم، و به ویژه در ارتباط با جرایم ارتكابی از سوی کودکان به کار می‌رود.^۱

به عقیده جرم‌شناسان، هر فعل یا ترک فعلی که برای اکثر افراد یک جامعه خطرناک باشد بزه نامیده می‌شود.^۲ در صورتی که جامعه‌شناسان هر فعلی را که حالات قوی و مشخص وجدان جمعی را مورد تعرض قرار دهد بزه تلقی می‌نمایند،^۳ از دیدگاه روان‌شناسان بزهکاری یک پدیده زیستی، روانی و اجتماعی است و بالاخره از نظر حقوق دانان هر فعل یا ترک فعلی که مطابق قانون مشمول مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی قرار گیرد جرم یا بزه نامیده می‌شود.

بزه دیده شخصی است که به جهت وضعیت و موقعیت خاص، متحمل پیامدهای دردآور و مشقت‌باری می‌شود که عواملی با ریشه‌های فیزیکی، روانی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و حتی طبیعی دارد. به عبارت ساده‌تر اگر در اثر یک خسارت قطعی، آسیب به تمامیت زندگی شخصی او وارد آمده باشد و اکثر افراد جامعه نیز به این مسأله ادعان داشته باشند، آن شخص بزه‌دیده است. بزهکار به فردی اطلاق می‌گردد که با رفتار خود از قلمرو قانون خارج شده و پا به میدانی می‌گذارد که سایر انسانها از نزدیک شدن به آن امتناع دارد،^۴ در مطالعه بزهکار رابطه بین شخصیت و اجتماعی که او در آن زندگی می‌کند، مورد بررسی قرار می‌گیرد، اصطلاح بزهکار از زمانی وارد قلمرو حقوق جزا گردید، که جرم‌شناسان پی بردند صرفاً مجازات کردن مجرمین و سرکوبی آنان تأثیر چندانی در زدودن آثار ناهنجاری‌های اجتماعی نداشته و سنگین‌ترین کیفرها نتوانسته است جرم را نابود سازد و بعضاً موجب نتایج عکس شده است. در اثر این تحوّل کوشش متخصصین

^۱ دکتر علی‌حسین نجفی ابرندآبادی، دانشنامه جرم‌شناسی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول، سال ۱۳۷۷، صفحه ۱۹۹.

^۲ دکتر تاج‌زمان دانش، مجرم کیست - جرم‌شناسی چیست، انتشارات مؤسسه کیهان، چاپ سوم، سال ۱۳۶۸، صفحه ۴۸.

^۳ دکتر محمدعلی اردبیلی، جامعه‌شناسی جنائی.

^۴ دکتر رضا مطلوبان، کلیات جرم‌شناسی، انتشارات دانشگاه تهران.



حقوق جزا مصروف شناخت شخصیت و خصوصیات فردی بزهکاران گردیده و آسیب‌شناسان اجتماعی از بزهکاران طبقه‌بندی‌های گوناگون کرده‌اند معروف‌ترین طبقه‌بندیها متناسب به دانشمندان ایتالیایی است که بزهکاران را به ۵ دسته مختلف به شرح زیر تقسیم کرده‌اند:

۱- بزهکاران مادرزادی (جانیان بالفطره).

۲- بزهکاران دارای اختلالات عضو مغز.

۳- بزهکاران هیجانی.

۴- بزهکاران دیوانه و کودن.

۵- بزهکاران برحسب اتفاق^۱.

^۱ - دیوید ایراهمنسن، روان‌شناسی کیفری (مترجم)، دکتر پرویز صانعی.



فصل پنجم - عوامل مؤثر در ارتکاب جرم اطفال بزهکار

۱- عوامل فردی؛ که شامل وراثت فرد از نیاکان و مسائل اکتسابی است.

۲- عوامل محیطی؛ که شامل عوامل اجتماعی و جغرافیایی و خانوادگی و غیره از قبیل اقتصادی، سیاسی و فرهنگی می‌باشد.

به طور خلاصه شناخت طبع و سرشت افراد یکی از فاکتورهای مهم در تشخیص خلق و خوی بزهکاری در انسانها است و این طبع و سرشت نتیجه عناصر مهمی همچون وراثت، تعلیم و تربیت و عواطف و غیره می‌باشد و از جهت عوامل محیطی به جرأت می‌توان گفت عامل نخست، که عامل خانواده است از مؤثرترین عوامل در ازدیاد یا کاهش میزان جرایم است، فی‌الواقع خانواده آینه شخصیت کودکان است. در کانون‌های خانوادگی ناهمگن که معمولاً عواطف خانوادگی ضعیف و مخدوش است افراد بزهکار بیشتر پرورش می‌یابند. به عنوان مثال به اعتقاد همه محققان و حقوق دانان، طلاق زوجین و ایجاد گسیختگی بین همسران از عوامل مؤثر در پرورش افراد بزهکار بوده و در این قبیل خانواده‌ها به دلیل محرومیت فرزندان و نوجوانان از عواطف و ملامت‌های خانوادگی و مهر و محبت مادران، کودکان به خشونت گرائیده و بعضاً تمایلات رفتار مجرمانه یا بزهکاری در آنها بروز می‌کند. همچنانکه عوامل جمعیتی نیز نقش مؤثر دارد به طوری که توسعه شهرها و تراکم جمعیت در شهرهای بزرگ نیز از عوامل محیطی جرم‌زا محسوب می‌شوند.^۱ همچنین شاید بتوان در رأس علل یا عوامل اجتماعی مؤثر در بروز بزهکاری اطفال و نوجوانان، عامل اقتصادی را قرار داد به عبارت دیگر، فقر و ناداری تأثیر فراوانی در تشویق افراد به سوی بزهکاری دارد، بیشتر سرفقت‌ها، اختلاس‌ها، کلاهبرداری‌ها و خیانت در امانت‌ها منشأ اقتصادی داشته و عمدتاً به وسیله افراد نیازمند صورت می‌پذیرد. در عین حال تأثیر عوامل فرهنگی و اعتقادی بر کسی پوشیده نیست چه کسی می‌تواند منکر این واقعیت گردد که ضعف مبانی اعتقادی و عدم پایبندی به اصول اخلاقی و تعالیم مذهبی تأثیر زیادی در کشیده شدن افراد به سوی جرایم و خلاف‌کاریها دارد. همچنانکه نظام سیاسی غیرمذهبی حاکم بر یک جامعه نیز می‌تواند در تشویق یا عدم تشویق افراد به ارتکاب جرایم کمک کند. بنابراین علی‌رغم این واقعیت که بزهکاری در

۱- کتاب جرم‌شناسی، ترجمه دکتر حسین نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۰.



اطفال و نوجوانان دارای علل پیچیده و غامض است، عواملی از جمله روابط نابهنجار خانوادگی و بیماری‌های روانی و عاطفی فرد و اختلالات اجتماعی از اسباب عمده بزهکاری اطفال و نوجوانان است، که دچار عدم تعادل روحی بوده و اغلب دارای رفتاری خشک و خشن و انعطاف‌ناپذیر هستند و اکثراً تحت تأثیر محرکات آنی غیرقابل کنترل قرار می‌گیرند. با توجه به آنچه بیان گردیده به نظر می‌رسد در این رهگذر، اولیاء امور به عنوان برنامه‌ریزان اجتماعی می‌بایست سیاست کیفری هر جامعه را به جای انتقامجویی بر بنیاد درمان بزهکاران استوار سازند. و این بدان معنی نیست که تفریط در تضعیف مجازات‌های عادلانه را جایگزین افراط در مجازات‌های سنگین و خشن سازیم و عدالت کیفری را به معنای پاداش دادن به بزهکاران تفسیر نمائیم، بلکه همواره باید راه اعتدال و میانه را پیمود و در معرض مجازات‌های بازدارنده قرار گیرند و در مقابل مجرمین اتفاقی و به ویژه اطفال و نوجوانان فریب خورده که در معرض تحریکات سوء مجرمین حرفه‌ای مرتکب جرم شده‌اند، بطور ماهرانه رفتارشان تصحیح و در جهت فطرت انسانی خویش رهنمون گردند. همچنین به نهاد خانواده و استحکام بخشیدن آن به درجه‌ای که مورد عنایت اصل دهم قانون اساسی^۱ قرار گرفته، اهمیت داده شود و در اصلاح ساختار محیط‌های اجتماعی و فرهنگی بر پایه فرهنگ و تعلیمات اسلامی، کوشش نموده و سعی شود با محیط‌های سالم آموزشی و در جوار آنها فضاهای انبوه و فراوان تربیتی ورزشی و تفریحات سالم، این ذخایر عظیم بشری را در جهت سوق دهیم، که انگیزه‌ای جهت رو آوردن به خطا کاریها و سرخوردگیها و خود باختگیها وجود نداشته باشد. و برای اینکه خانواده از محیطی آرام و سالم برای تربیت فرزندان و پیشگیری از ارتکاب جرایم آنها برخوردار باشد، رعایت نکات ذیل ضرورت دارد:

- ۱- برقراری دوستی و تفاهم بین والدین.
- ۲- همبازی شدن با کودک و نوجوان.
- ۳- احتراز از رقابت در جلب محبت فرزندان.
- ۴- عدم ایجاد ناسازگاری در محیط خانواده.
- ۵- عدم پرخاشگری والدین نسبت به خود و یا نسبت به فرزندان.

^۱- اصل دهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: از آنجا که خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از داست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد.



- ۶- پرورش حس اعتماد به نفس در فرزندان.
- ۷- حفظ شخصیت فرزندان.
- ۸- مشورت با فرزندان.
- ۹- ابراز مهر و محبت به فرزندان.
- ۱۰- تأمین مسکن مناسب و ایجاد آرامش در محیط خانواده.
- ۱۱- جلوگیری از تحریک جنسی فرزندان.
- ۱۲- تأمین نیازهای مادی و معنوی.



فصل ششم - تشریفات رسیدگی به جرایم اطفال

هدف آئین دادرسی کیفری، وضع قواعد رسیدگی عادلانه انسانی، پیشگیری از وقوع اشتباه در تشخیص جرم و مرتکب آن و بالاخره تحقق عدالت کیفری است.

۱- تشکیل دادگاه اطفال؛

اولین موضوع مورد بحث در آئین دادرسی کیفری، دادگاه صالح برای رسیدگی به جرم است، صلاحیت عبارت است از توانائی، شایستگی، تکلیف و الزامی که قانون به یک مرجع قضائی جهت رسیدگی به دعوی، اعطا می‌کند. قواعد مربوط به صلاحیت مربوط به نظم عمومی بوده، و توافق خلاف آن، توسط اصحاب دعوی پذیرفته نیست. در عین حال با تأسیس جدیدی از سوی قانون‌گذار به موجب ماده ۸ آئین‌نامه اجرائی موضوع ماده ۱۸۹ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران صلاحیت محلی شورا را در مواردی مقیّد به تراضی طرفین دعوی نموده است، بدین ترتیب که اشعار داشته: «شورا به کلیه موارد موضوع صلاحیت خود در صورتی اقدام به رسیدگی می‌نماید که... (ب) طرفین دعوا در حوزه شورا ساکن و یا اشتغال به کار داشته باشند، مگر آنکه طرفین بر اقامه دعوی در محل سکونت و یا اشتغال یکی از آنها تراضی نمایند.

همه مراجع کیفری مکلفند قبل از شروع به تعقیب و تحقیق و رسیدگی، صلاحیت خود را مورد بررسی قرار دهند. صلاحیت به سه نوع ذاتی، محلی و شخصی تقسیم می‌گردد. صلاحیت ذاتی صلاحیتی است، که قابل جابه‌جائی نبوده و آنچنان با نظم عمومی عجین شده، که تخطی از آن موجب ابطال عملیات صورت گرفته است به عنوان مثال صلاحیت دادگاه‌های عمومی نسبت به دادگاه‌های انقلاب از نوع صلاحیت ذاتی است و منظور از صلاحیت محلی، انتخاب دادگاه صالح از بین چند دادگاه همعرض است. در امور جزائی اصل بر صلاحیت دادگاه محل وقوع جرم است و چنانچه شخصی مرتکب چند جرم در محلهای مختلف شود، به جرایم او در دادگاهی رسیدگی می‌شود، که مهمترین جرم در حوزه آن واقع شده باشد و چنانچه جرایم ارتكابی از حیث مجازات در یک درجه باشد دادگاهی که مرتکب در حوزه آن دستگیر شود صلاحیت رسیدگی دارد و چنانچه متهم دستگیر نشده باشد دادگاهی که ابتدائاً شروع به تعقیب کرده صلاحیت رسیدگی به کلیه



جرایم را دارد.^۱ نوع دیگر صلاحیت شخصی است صلاحیت شخصی ویژه محاکم کیفری است و با توجه به خصوصیات متهم، تعیین می‌شود. و صلاحیت دادگاه اطفال از نوع صلاحیت شخصی است و از این رو دادگاه‌های اطفال نوعی دادگاه اختصاصی است، و در عمل همواره نیاز به وجود دادگاه‌های ویژه برای رسیدگی به جرایم اطفال احساس می‌شد و با تصویب قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ مطابق ماده ۲۱۹ قانون مذکور در هر حوزه قضائی در صورت نیاز یک یا چند شعبه از دادگاه‌های عمومی برای رسیدگی به کلیه جرایم اطفال، اختصاص می‌یابد. در این قانون مزایائی برای اطفال در جهت تعقیب آنها، تحقیق در مورد جرایم ارتکابی توسط آنها در نظر گرفته شد و نیز حسب مقررات لایحه اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۱/۷/۲۷ و ماده ۴ آئین‌نامه اجرائی آن که در مورخ ۱۳۸۱/۱۱/۹ به تصویب ریاست محترم قوه قضائیه رسید، امکان تخصیص شعبی از دادگاه‌های عمومی و دادسرا را به جرایم و دعاوی خاص اطفال به وجود آورد، که این تخصیص با پیشنهاد رئیس کل دادگستری استان و تصویب رئیس قوه قضائیه صورت خواهد گرفت. بنابراین در حال حاضر طبق ماده ۲۱۹ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری رسیدگی به جرایم اطفال در صلاحیت شعبه‌ای از دادگاه عمومی است، که به این امر اختصاص یافته است و تبصره یک ماده فوق‌الذکر طفل را کسی می‌داند که به حد بلوغ شرعی نرسیده و تبصره ماده ۲۲۰ آن قانون، رسیدگی به جرایم اشخاص بالغ کمتر از ۱۸ سال تمام را نیز در صلاحیت دادگاه اطفال قرار داده است. صلاحیت دادگاه اطفال آنچنان دارای اهمیت است که بر قوانین آمره مربوط به صلاحیت ذاتی نیز مقدم می‌شود، از این رو رسیدگی به جرایمی که در صلاحیت ذاتی دادگاه انقلاب می‌باشد، و توسط اطفال ارتکاب می‌یابد نیز در حیطه اختیار و تکلیف دادگاه اطفال که شعبه‌ای از دادگاه عمومی است قرار داده شده است. همچنانکه رأی وحدت رویه شماره ۱۶۲۳۶-۱۳۷۹/۸/۲۹ هیأت عمومی دیوانعالی کشور مقرر داشته با عنایت به اینکه مقنن با رعایت حمایت از مجرم، دادگاه خاصی را در مورد رسیدگی به مطلق جرایم اطفال و نوجوانان در نظر گرفته است رسیدگی به کلیه جرایم اشخاص زیر ۱۸ سال، حتی جرائمی که در صلاحیت ذاتی دادگاه‌های انقلاب است، باید در شعب اختصاص یافته به جرایم اطفال صورت گیرد.

۲- انجام تعقیب و تحقیق توسط دادگاه و منع ضابطین از تعقیب طفل و تحقیق د

رخصوص وی

^۱ - ماده ۵۴ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ مشروح آن در بند پنجم ضمائم درج گردیده است.



طبق ماده ۱۵ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری ضابطین دادگستری مأمورانی هستند، که تحت نظارت و تعلیمات مقام قضائی، در کشف جرم، بازجویی مقدماتی و حفظ آثار و دلایل جرم و... اقدام می‌کنند و مطابق ماده ۴۱ همان قانون دادرسان و قضات تحقیق بر تحقیقات و اقدامات آنان نظارت دارند، از آن میان نیروی انتظامی وظیفه عمده‌ای در تعقیب متهم و تحقیق از وی بر عهده دارد لیکن در ماده ۲۲۱ قانون مزبور، رسیدگی مقدماتی اعم از تعقیب و تحقیق در جرایم اطفال را توسط دادرس و یا به درخواست دادرس توسط قاضی تحقیق قابل اجراء دانسته است و دادگاه مکلف شده است همه وظایفی را که برابر قانون بر عهده ضابطین است، رأساً به عمل آورد.

۳- اختیار دادگاه اطفال در تشکیل پرونده شخصیت برای طفل بزهکار

قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ در ماده ۲۲۱ مقرر داشته است، که تحقیقات لازمه برای وضعیت روحی- روانی طفل، ولی یا سرپرست او یا وضعیت خانوادگی و محیط معاشرت طفل می‌تواند، توسط دادگاه صورت گیرد و دادگاه می‌تواند در انجام تحقیقات فوق نظر اشخاص خُبره را نیز بخواهد، هر چند به نظر می‌رسد در جرایم مهمه و در مورد مرتکبین حرفه‌آی به منظور کشف و حل معضلات شخصی و خانوادگی و اجتماعی متهمین بزهکار انجام تحقیقات و اقداماتی درباره وضع مزاجی یا روحی طفل یا والدین وی و شناسائی ناهنجاری‌های روانی آنها تشکیل پرونده شخصیت درباره ایشان و تحقیقات از طریق مددکاران اجتماعی شاغل در کانون اصلاح و تربیت ضروری باشد.

۴- احضار طفل متهم از طریق اولیای قانونی

مطابق ماده ۲۲۳ از قانون آئین دادرسی کیفری احضار طفل متهم برای انجام تحقیقات مقدماتی و رسیدگی در هر مورد از طریق ولی یا سرپرست قانونی طفل امکان‌پذیر دانسته است. لازم به ذکر است که این امتیاز قانونی به طور محدود و مشروط به طفل بزهکار اعطاء گردیده است. چنانچه ولی یا سرپرست قانونی طفل، حضور نیابد و امکان جلب وی نباشد دادگاه می‌تواند نسبت به احضار و جلب طفل اقدام کند همچنین دادگاه الزامی به احضار و جلب اولیای سرپرست طفل، در صورت عدم حضور وی، نداشته و می‌تواند از بدو امر مبادرت به احضار خود طفل و با عدم حضور نسبت به جلب او اقدام کند بنابراین اعطاء چنین امتیازی به طفل بزهکار، صرفاً به خواست و نظر قاضی دادگاه است و ماده ۲۲۳ جنبه ارشادی داشته و امره، تلقی نمی‌شود.



۵- امکان مشاوره حقوقی برای طفل بزهکار و تعیین وکیل

قانونگذار برای اطفال در رسیدگی به جرایم آنها، امتیاز قائل شده که عبارت است از تعیین وکیل در کلیه جرایم به شرط عدم حضور ولی یا سرپرست طفل، ماده ۲۲۰ قانون آئین دادرسی کیفری دادگاه را هنگام رسیدگی به جرایم اطفال مکلف کرده است، که به ولی یا سرپرست قانونی طفل اعلام کند، تا در دادگاه شخصاً حضور یابد یا برای طفل، وکیل تعیین کند چنانچه ولی یا سرپرست قانونی اقدام به تعیین وکیل نکند و خود نیز حضور نیابد، دادگاه باید برای طفل وکیل تسخیری تعیین کند.

۶- سرّی بودن دادرسی

نظر به اینکه، ممکن است آزاد بودن حضور عموم در جلسه رسیدگی دادگاه اطفال موجب افشای جرم و خدشه دار شدن حیثیت متهم شود، از این رو قانونگذار برای جلوگیری از این وضعیت در ماده ۲۲۵ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ رسیدگی به جرایم اطفال را غیرعلنی اعلام داشته و قید کرده صرفاً اولیاء، سرپرست قانونی طفل، وکیل مدافع، شهود و مطلعین و نماینده کانون اصلاح و تربیت می‌توانند در جلسه دادگاه حضور یابند و ضرورت حضور هر یک را نیز دادگاه احراز می‌کند. همچنین برای جلوگیری از افشای اتهام و جریان دادگاه برای کسانی که جریان دادگاه را از طریق رسانه‌های گروهی فیلم‌برداری یا عکس تهیه کنند و موجب افشای هویت و مشخصات طفل متهم شوند، مجازات مندرج در ماده ۶۶۸ از قانون مجازات اسلامی (افشای اسرار حرفه‌ای) را قرار داده است. همچنین مقنن حتی در مواردی که حضور طفل در جلسه دادرسی امکان تأثیرات مخرب بر روح و روان وی داشته باشد، انجام دادرسی غیابی را جایز دانسته است و رأی دادگاه را در این موارد طبق ماده ۲۲۶ همان قانون حضوری، محسوب کرده است و راجع به دادخواست مدعی خصوصی ماده ۲۲۷ قانون مزبور^۱ اشعار داشته دادگاه به دادخواست برابر مقررات رسیدگی کرده و حکم مقتضی صادر می‌نماید و حضور طفل در دادگاه، ضروری نیست.

۷- امکان تخفیف بعد از صدور حکم محکومیت

مطابق قاعده موسوم به «فراغ» قاضی صادرکننده رأی، پس از انتشار و امضاء رأی، حق دخل و تصرف در رأی و تغییر آن را ندارد و صرفاً در مواردی که وقوع اشتباه در حکم به گونه‌ای باشد که به اساس حکم خدشه وارد نسازد، می‌تواند با صدور رأی اصلاحی، اشتباه خود را تصحیح کند.

^۱ در صورتی که مصلحت طفل اقتضاء نماید رسیدگی در قسمتی از مراحل دادرسی در غیاب متهم انجام خواهد گرفت و در هر حال رأی دادگاه حضوری محسوب می‌شود.



ماده ۲۲۹ آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری بر خلاف قاعده فوق امکان تجدیدنظر در حکم را به قاضی دادگاه اطفال داده است و به موجب آن دادگاه رسیدگی کننده به جرایم اطفال، حسب گزارش‌هایی که از وضع طفل و تعلیم و تربیت وی از کانون اصلاح و تربیت دریافت می‌کند می‌تواند در تصمیمات قبلی خود یک بار تجدیدنظر نماید، به این ترتیب که مدت نگهداری (در کانون اصلاح و تربیت) را تا یک چهارم تخفیف دهد و این امتیاز امکان تخفیف مدت نگهداری طفل در کانون را در هر زمان و شرایطی و صرفاً با احراز اصلاح طفل و حُسن اخلاق و رفتار او که مورد تأیید مسؤولین کانون باشد، برای یک بار به قاضی تفویض نموده است.

۸- قابل تجدیدنظر بودن آراء دادگاه اطفال

کلیه آراء صادره از سوی دادگاه اطفال طبق ماده ۲۳۰ قانون آئین دادرسی کیفری قابل اعتراض و تجدیدنظرخواهی می‌باشد.



فصل هفتم - جایگزین‌های مجازات در جرایم اطفال و بالغین زیر ۱۸ سال

در مورد جایگزین‌های کیفر حبس، سخن بسیار است و پیوسته جرم‌شناسان و حقوق‌دانان جزائی پیشنهاداتی را مطرح می‌نمایند لیکن کاربرد عملی آنها، منوط به تصویب رسمی و قانونی آن در مجلس شورای اسلامی است. با وجود این بسیاری از این جایگزین‌ها در شرایط موجود و در کشور ما نمی‌تواند کاربرد داشته باشد برای نمونه یکی از طرح‌های پژوهشی تهیه شده توسط مؤسسه جرم‌شناسی دانشگاه تهران؛ اعمال کارهای اجباری همراه با کارمزد به جای کیفر حبس به ویژه در زندانهای بسته، توصیه شده است و مزیت‌های این نوع مجازات را، چنین برشمردند:

۱- نخست آنکه با اجبار محکومان به کار، می‌توان از کلیه مفاسد زندانهای بسته بر حذر ماند و به نظر می‌رسد غالب مفاسد داخل زندان از جمله شیوع و انتقال بیماریهای مقاربتی و نظایر آن و مشکلات جنسی، خشونت‌ها و جرایم داخل زندان به ویژه معضل مواد مخدر بیشتر ناشی از بیکاری مددجویان زندانی، در یک محیط بسته است.

۲- با اجبار مددجویان به کار، از بروز مشکلات روانی و اختلالات دماغی نیز پرهیز می‌شود و مجبور نمی‌شویم پس از آن به معالجه و روان‌درمانی مددجویان روی آوریم، چه منشأ بسیاری از مشکلات روانی، بیکاری، یکجانشینی و فرصت‌یابی مددجو در دست یازیدن به تفکرات واهی است، بدین جهت این اقدام چنین زمینه‌هایی را بسیار کاهش می‌دهد.

۳- با تحمیل کارهای اجباری به مددجویان، افزون بر افزایش مهارت‌های شغلی، اصلاح و تربیت و بازسازی اجتماعی مانع از هم‌پاشیدگی کانون خانواده وی نیز می‌شویم، چه با کارمزد آن در طی مدت گذران محکومیت مددجو می‌تواند خانواده خویش را نیز اداره کند.

۴- همراه بودن کارهای اجباری با کارمزد عادلانه، صرف‌نظر از فوایدی که عاید دولت، جامعه و فرد می‌گردد، از تعارض با موازین حقوق بشر که بیکاری را مخالف این موازین می‌شمارند نیز، اجتناب می‌گردد. همچنین سایر جایگزین‌ها از قبیل اجبار به اقامت در منزل و سپردن طفل به والدین و سرپرستان قانونی و اجرای روش آزادی توأم با مراقبت و سپردن طفل به شخص مورد اعتماد همگی، در جهت رسیدن به اهداف عالی اصلاح و تربیت بزهکاران جوان مؤثر واقع شده، و از مضرات مجازات‌های سنتی که اثر سوء در تکوین شخصیت اجتماعی و روانی جوانان و اطفال دارد، جلوگیری خواهد نمود.



فصل هشتم - جبران خسارت مادی و معنوی ناشی از بزهکاری اطفال و نقش گذشت شاکی در آن

الف: صلاحیت شورای حل اختلاف در رسیدگی به دعوی مطالبه خسارت ناشی از عملکرد اطفال.

ب: صلاحیت شورای حل اختلاف در امور کیفری.

ج: ایجاد صلح و سازش بر اساس حدود صلاحیت شورا در امور حقوقی و کیفری.

۱- صلاحیت شورا در دعاوی حقوقی مطروحه

به موجب بند ۱ قسمت الف ماده ۷ آئین نامه اجرائی ماده ۱۸۹ قانون برنامه سوم توسعه (ماده ۱۳۴ قانون برنامه چهارم) مصوب ریاست قوه قضائیه کلیه دعاوی راجع به اموال منقول، دیون، منافع، زیان ناشی از جرم، ضمان قهری (یعنی الزامات خارج از قرارداد از قبیل اتلاف و تسبیب خسارت نسبت به مال غیر) در صورتی که خواسته دعوی بیش از مبلغ ده میلیون ریال نباشد، در صلاحیت شورای حل اختلاف شناخته شده است. به علاوه چنانچه دو طرف تراضی کتبی نمایند شورا به استناد بند ۶ قسمت الف ماده مرقوم بدون در نظر گرفتن نصاب ریالی مذکور صالح خواهد بود که به موضوع رسیدگی و رأی مقتضی و شایسته صادر نماید. قابل ذکر است چون شوراها مجازند در کلیه امور حقوقی برای حصول سازش طرفین اقدام نمایند، بنابراین در مواردی که میزان خسارت بالاتر از نصاب ریالی تعیین شده (۱۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال) باشد و خواهان (زیان دیده) برای تحقق سازش به شورا مراجعه کند، شورا موظف است در اجرای بند ۱ ماده ۷ آئین نامه اشاره شده و با حضور دو طرف و در صورت اعلام سازش طرفین گزارش اصلاحی صادر کند و الا در صورت عدم سازش پرونده را بایگانی و خواهان را به مرجع قضائی هدایت نماید، در رابطه با صلاحیت محلی شورای حل اختلاف قابل ذکر است که، مطالبه خسارت ناشی از اتلاف یا تسبیب ناشی از عملکرد زیانبار افراد بالغ یا نابالغ (اطفال) و کودکان زیر ۱۸ سال، ممکن است در دو دسته از اموال مطرح گردد، اموال منقول و اموال غیرمنقول، مال منقول مثل اتومبیل و یا وسایل خانگی و ابزار کار که صاحب آنها به دلیل ورود خسارت عمدی یا غیرعمدی نسبت به آنها مطالبه خسارت کند، که بدین ترتیب صلاحیت شورای حل اختلاف نیز بر حسب اینکه مال خسارت دیده منقول یا غیرمنقول مثل املاک باشد تعیین می شود، به ترتیب آتی:



الف: مطالبه خسارت نسبت به اموال منقول

به موجب بند ب ماده ۸ آئین نامه اجرائی ماده ۱۸۹ قانون برنامه سوم توسعه (ماده ۱۳۴ قانون برنامه چهارم) راجع به مطالبه خسارت نسبت به اموال منقول آمده:

«طرفین دعوی در حوزه شورا ساکن و یا اشتغال به کار داشته باشند، مگر آنکه طرفین بر اقامه دعوی در محل سکونت و یا اشتغال یکی از آنها تراضی نمایند»، بنابراین فی‌المثل چنانچه راننده اتومبیلی بر اثر بی‌احتیاطی با اتومبیل دیگری تصادف کند و خسارت حاصل شود، بنا به دستور آئین‌نامه، فرد خسارت‌دیده باید به شورای حل اختلافی مراجعه نماید، که دو طرف در آن ساکن و یا اشتغال به کار داشته یا تراضی نمایند، رویه عملی نیز مراجعه به شورای حل اختلافی که محل سکونت خوانده باشد را نیز پذیرفته است.

ب: مطالبه خسارت نسبت به اموال غیرمنقول

به موجب بند ج آئین‌نامه مرقوم: " اموال غیرمنقول واقع در حوزه شورا باشد هر چند طرفین مقیم آن حوزه نباشند" بنابراین در مورد خسارت حاصله به اموال غیرمنقول، ملاک تعیین صلاحیت شورای حل اختلاف، وقوع مال غیرمنقول مثل خانه در حوزه شورای حل اختلاف می‌باشد.

۲- صلاحیت شورا در امور کیفری

طبق ماده ۷ آئین‌نامه اجرائی ماده ۱۸۹ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی صلاحیت شورا در امور جزائی به قرار زیر است:

الف: مذاکره به منظور ایجاد صلح و سازش در امور جزائی که رسیدگی به آن منوط به شکایت شاکی خصوصی بوده و با گذشت وی تعقیب موقوف می‌شود.

ب: مراقبت در حفظ آثار جرم و جلوگیری از فرار متهم در جرایم مشهود، از طریق اعلام فوری به نزدیک‌ترین مرجع قضائی یا مأموران انتظامی.

ج: رسیدگی به جرایمی که مجازات قانونی آنها حداکثر تا ۵,۰۰۰,۰۰۰ ریال جزای نقدی است و یا جمع مجازات حبس و جزای نقدی، پس از تبدیل حبس به جزای نقدی تا ۵,۰۰۰,۰۰۰ ریال می‌گردد.

د: رسیدگی به جرائمی که مجازات قانونی آنها کمتر از ۹۱ روز حبس و یا مجازات تعزیری موضوع تخلفات رانندگی باشد (بند ۱ ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای عمومی دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳).



۳- ایجاد صلح و سازش از طریق شورای حل اختلاف

گفتار اول: در امور حقوقی

بر مبنای عموماًت قانونی، حسب ماده ۱۷۸ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی در هر مرحله از دادرسی مدنی طرفین می‌توانند دعوی خود را به طریق سازش خاتمه دهند و ماده ۱۸۶ همان قانون اشعار داشته «هر کس می‌تواند در مورد هر ادعایی از دادگاه نخستین به طور کتبی در خواست نماید که طرف او را برای سازش دعوت کند» و در شورای حل اختلاف نیز، در اجرای مقررات بند یک ماده ۷ آئین‌نامه اجرائی ماده ۱۸۹ قانون برنامه سوم توسعه، مذاکره به منظور ایجاد سازش بین طرفین در کلیه امور مدنی و همچنین امور جزائی که رسیدگی به آن منوط به شکایت شاکی خصوصی بوده و با گذشت وی تعقیب موقوف می‌گردد، کاشف از آن است که شوراها در کلیه اموری که به قصد صلح و سازش باشد، صلاحیت رسیدگی و اتخاذ تصمیم دارند. لذا در صورت تراضی کتبی و موافقت طرفین تا هر میزان در دادگستری با تنظیم صورتجلسه پرونده مربوط به شورای حل اختلاف ارسال، تا اصحاب دعوی ضمن بهره‌مندی از خدمات نسبتاً رایگان رسیدگی به دعوی آنان با سرعت و دقت و نظارت قضات مشاور انجام و موضوع فیصله یابد.

گفتار دوم: در امور کیفری

طبق ماده ۱۹۵ از قانون آئین دادرسی در امور کیفری، که می‌تواند زمینه صلح و سازش از طریق شورای حل اختلاف باشد چنین اشعار داشته «در اموری که ممکن است با صلح طرفین قضیه خاتمه پیدا کند، دادگاه کوشش لازم و جهد کافی در اصلاح ذات‌البین به عمل می‌آورد و چنانچه موفق به برقراری صلح نشود، رسیدگی و رأی مقتضی صادر خواهد نمود» بدین ترتیب در امور جزائی مبتنی بر استناد قانونی فوق‌الذکر، اعم از اینکه قضیه مورد شکایت جنبه عمومی و یا جنبه خصوصی محض و یا توأمان داشته باشد، شورا می‌تواند سعی در توافق و سازش آنان را بنماید چنانچه علاوه بر جنبه خصوصی موضوع موردنظر دارای جنبه عمومی نیز باشد و به جهت جنبه عمومی موضوع قابل گذشت نباشد، شورا می‌تواند صرف‌نظر از گذشت شاکی خصوصی نسبت به اصل موضوع دارای وجهه عمومی در حد صلاحیت مقوضه قانونی در امر کیفری رأی مقتضی صادر و در صورتی که قانوناً منعی جهت اعمال کیفیات مخففه وجود نداشته باشد، حداقل تأثیر



گذشت و توافق از باب اعمال سیاست کیفری می‌تواند، بر اساس حکم صادره منتهی به تخفیف و یا تبدیل مجازات به نحو مخفّف و مناسبتری نسبت به مشتکی‌عنه اعمال گردد. لیکن در صورتی که موضوع صرفاً و کلاً قابل گذشت بوده پرونده از طریق صلح و سازش خاتمه یابد، مستند به بند دوم ماده ۶ و ماده ۱۷۹ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری قرار موقوفی تعقیب که به نحوی از انحاء حاصل صلح و سازش طرفین می‌باشد اصدار می‌نماید، زیرا ماده ۱۷۹ قانون مذکور مقرر می‌دارد؛ چنانچه دادگاه در جریان رسیدگی به پرونده تشخیص دهد که به لحاظ گذشت شاکی خصوصی در مواردی که دعوی قابل گذشت می‌باشد... رأی به موقوفی تعقیب صادر می‌نماید و از جمله مواردی که منتهی به موقوفی تعقیب می‌گردد گذشت شاکی یا مدعی خصوصی در جرایم قابل گذشت است، که در بند دوم همان ماده بیان گردیده و این بدان معنی می‌باشد که علی‌القاعده ایجاد صلح و سازش مستلزم حضور شاکی و مشتکی‌عنه خواهد بود و اگر شاکی حضور نداشته باشد عدم حضور وی قرینه بر گذشت و سازش تلقی نمی‌گردد و شورا باید به رسیدگی خود ادامه دهد مگر اینکه، به طریق دیگری گذشت شاکی و صلح و سازش طرفین برای شورا محرز و مسلم گردد که در این صورت نیز قرار موقوفی تعقیب صادر خواهد نمود.

گفتار سوم: اقدامات عملی حاصل از نتایج صلح و سازش و گذشت

بنا به مراتب فوق‌الاشعار چنانچه در هر واقعه‌ای اعم از کیفری و یا حقوقی و یا ضرر و زیان ناشی از جرم متهم به ارتکاب، اطفال نابالغ یا بالغین زیر ۱۸ سال باشند، با توجه به راه‌اندازی شوراهای حل اختلاف ویژه اطفال و رسیدگی به جرایم و دعاوی مربوط به اطفال، موصوف در حدود صلاحیت محلی و نسبی و حتی صلاحیت ذاتی حسب مورد در حد صلاحیت مقرر از نظر نصاب مالی تا یک میلیون تومان و جزای نقدی در امور جزائی تا پانصد هزار تومان و حبس‌های تا کمتر از ۹۱ روز و یا مجازات تعزیری موضوع تخلفات رانندگی باشد، به منظور حل و فصل قضیه از طریق صلح و سازش پرونده کیفری موضوع گزارش یا دادخواست حقوقی مربوط حسب‌الارجاع ریاست شورای حل اختلاف حوزه مربوطه طفل مشتکی‌عنه که به طرفیت ولی قهری وی (پدر یا جد پدری) یا قیم منصوب یا قیم اتفاقی طرح شکایت گردیده و یا در صورت توافق و تراضی کتبی طرفین، در امور حقوقی تا هر میزان بدواً به شورای حل اختلاف ویژه اطفال ارجاع و مطابق موازین فوق‌الذکر اقدامات شایسته برای حصول صلح و سازش معمول و در صورت عدم توفیق در تحقق سازش، طرفین با پرونده مربوط به دادگاههای عمومی اختصاص یافته برای اطفال ارجاع و اعزام



می‌گردند در غیر این صورت با ابقاء پرونده مطروحه علیه طفل مشتکی‌عنه در شورا پس از اعلام شکایت قابل طرح در شورای حل اختلاف شکوائیه مزبور از طریق ریاست شورای حل اختلاف و یا معاون وی به یکی از حوزه‌های مربوطه ارجاع می‌شود و اعضاء هر حوزه که مرکب از سه عضو می‌باشند طرفین قضیهٔ مرجوع‌الیه را با روشهای مسالمت‌آمیز به صلح و سازش ترغیب می‌نمایند. با این شیوه چنانچه طرفین به توافق رسیدند و شاکی اعلام رضایت قطعی نمود مراتب صورتجلسه این شورا با امضاء طرفین و اعضاء خواهد رسید و سپس متعاقب امضاء شاکی در ذیل صورتجلسه سازش شورا یکی از قرارهای نمونه زیر را صادر می‌نماید، قابل ذکر است در امور کیفری چنانچه موضوع قابل گذشت باشد یعنی موضوع با شکایت شاکی خصوصی شروع و با گذشت وی تعقیب موقوف گردد در شورا اتخاذ تصمیم و پس از اعلام گذشت قرار موقوفی تعقیب صادر می‌شود ولی در صورتی که جرم جنبه عمومی داشته باشد، صرفاً صورتجلسه سازش تنظیم و به امضاء دو طرف می‌رسد و به دادگاه اطفال ارسال می‌گردد.

الف: نمونه صورتجلسه سازش

نظر به اینکه در مورد شکوائیه اینجانب... فرزند... شاکی پرونده کلاسه... نسبت به مشتکی‌عنه... فرزند... اعضاء شورا سعی و تلاش لازم در جهت حصول صلح و سازش مبذول نمودند، در نتیجه فی‌مابین توافق و گذشت قطعی حاصل گردید لذا رضایت بی قید و شرط و قطعی خود را نسبت به مشتکی‌عنه موصوف اعلام و تقاضای مختومه شدن پرونده را دارم.

اثر امضاء شاکی ۲- اثر امضاء مشتکی‌عنه یا ولی قهری وی

۳- اثر امضاء اعضای شورا

تصمیم شورا:

شورای حل اختلاف حوزه...؛ با توجه به صلح و سازش طرفین و اعلام رضایت قطعی شاکی شورا ختم رسیدگی را اعلام و ضمن مشاوره به شرح آتی مبادرت به صدور قرار می‌نماید.

ب: نمونه قرار:

۱: قرار موقوفی تعقیب

در خصوص شکوائیه... فرزند... علیه... فرزند... دائر بر... با توجه به اعلام گذشت قطعی و منجر شاکی و قابل گذشت بودن موضوع صرف‌نظر از صحت و سقم آن به استناد بند ۲ ماده ۶ قانون



آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب قرار موقوفی تعقیب متهم صادر و اعلام می‌گردد، این قرار ظرف ۲۰ روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظر در دادگاه عمومی محل است.

۲: نمونه رأی حضوری مطالبه خسارت در امور حقوقی منجر به سازش رأی شورای حل اختلاف

«گزارش اصلاحی»

در خصوص دعوی... بطرفیت... به خواسته مطالبه خسارت وارده به خودرو خواهان که به علت اصابت دوچرخه به راکبی خوانده منتهی به ورود خسارت گردیده نظر به اینکه با مساعی اعضای شورای حل اختلاف و به موجب صورتجلسه مورخ... خواهان که با ولی قهری خوانده و آقای... توافق و سازش نمودند که بابت خسارت حاصله به میزان... ریال در چهار قسط دو ماهه جبران خسارت نماید لذا مستنداً به ماده ۱۸۴ از قانون آئین دادرسی مدنی مفاد سازش نامه مذکور بین طرفین و قائم مقام قانونی آنها معتبر است، رأی صادره ظرف ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ با رعایت ماده ۱۸ آئین نامه اجرائی ماده ۱۳۴ قانون برنامه چهارم توسعه قابل تجدیدنظر در دادگاه عمومی محل است.

نام و امضای مشاور شورای حل اختلاف

نام و امضای اعضای شورای حل اختلاف



فصل نهم - نحوه اجرای رأی پرداخت خسارت مالی با حصول سازش

پس از صدور رأی شورای حل اختلاف در قالب گزارش اصلاحی که به امضای طرفین رسیده و طبق ماده ۱۸۴ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی مفاد سازش نامه نسبت به طرفین و وراثت و قائم مقام قانونی آنها نافذ و معتبر است و مانند احکام دادگاهها به موقع اجراء گذاشته می شود، هرچند مطابق ماده ۱۸۵ همان قانون هرگاه سازش محقق نشود، تعهدات و گذشت‌هایی که طرفین هنگام تراضی به سازش به عمل آورده‌اند، لازم‌الرعايه نخواهد بود. در عین حال رأی گزارش اصلاحی به منزله آراء قطعی محاکم دادگستری محسوب شده و قابلیت اجرائی دارد لیکن شورای حل اختلاف بدون درخواست محکوم‌له (زیان‌دیده) حق اجراء رأی را ندارد و چنانچه ذینفع درخواست اجرای رأی موصوف را نمود به دستور رئیس شورا اخطار اجرائی توسط رئیس دبیرخانه صادر و به امضاء وی و رئیس شورای حل اختلاف می‌رسد، تا محکوم‌علیه ظرف مهلت قانونی مقرر مندرج در فرم‌های اجرائیه نسبت به اجراء و جبران خسارت وارده وفق گزارش اصلاحی تنظیمی اقدام، در غیر این صورت با استتکاف از پرداخت خسارات وارده پرونده امر به اجرای احکام مدنی دادگستری محل ارسال، تا وفق مقررات مربوط اقدامات اجرائی بعدی به منظور استیفاء خسارات وارده تحت نظارت قاضی مجری احکام مدنی به عمل آید.

و السلام



ضمائم:

۱- بخشنامه به رؤسای کل دادگستری‌های سراسر کشور، سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور به منظور تشکیل شورای حل اختلاف ویژه اطفال صادره از ریاست قوه قضائیه

به منظور توسعه فرهنگ صلح و سازش، فراهم نمودن زمینه مناسب و لازم جهت حل و فصل اختلافات ناشی از جرایم اطفال و نوجوانان، بهره‌مندی آنان از مزایای مصالحه و میانجی‌گری مبتنی بر عتوفت اسلامی و پرهیز از اعمال کیفر حبس برای اطفال و نوجوانان لازم است: رؤسای کل دادگستری استانها با همکاری مدیران کل سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی هر استان و سایر مراجع ذیربط جهت بهره‌گیری از ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل شوراهای حل اختلاف تربیتی اتخاذ نمایند تا:

الف- در کلیه حوزه‌های قضایی که کانون اصلاح و تربیت وجود دارد شورای حل اختلاف برای حل و فصل اختلافات ناشی از جرایم اطفال در محل کانون اصلاح و تربیت تشکیل گردد.
« در حوزه‌های فاقد کانون، شعبه ویژه شورای حل اختلاف برای این منظور در محل مناسب اختصاص داده شود.»

ب- اعضای شورای حل اختلاف ویژه امور اطفال و نوجوانان علاوه بر متأهل بودن و داشتن فرزند باید دارای:

۱- حداقل ۴۰ سال تمام سن.

۲- تحصیلات مربوط با رشته روان‌شناسی مددکار اجتماعی.

۳- دو سال سابقه فعالیت در شورای حل اختلاف و توانایی و اهتمام در ایجاد صلح و سازش باشند.

اعضای شورای حل اختلاف باید دوره آموزشی مربوط به آیین دادرسی (مدیریت امور شوراهای امور تربیتی و نحوه برخورد اطفال و نوجوانان) را بر اساس برنامه آموزشی طی نمایند.
پ- شورای حل اختلاف برای ایجاد صلح و سازش تمامی مساعی و تلاش خود را به کار گرفته و می‌تواند از همکاری و مساعدت مراجع دیگر و اشخاص مصلح و مؤثر استفاده نماید.



ت- قضات مشاور شورای حل اختلاف از بین قضاتی که دارای ۵ سال سابقه در محاکم خانواده و شعب ویژه جرایم اطفال و نوجوانان و امور سرپرستی باشند انتخاب شوند.

تبصره- مشاورین مذکور به مدت دو سال انتخاب و در طول مدت غیرقابل عزل و استعفاء می‌باشند مگر اینکه به تشخیص رئیس کل دادگستری استان شرایط قانونی را از دست داده باشند.

ث- در اجرای مفاد این بخشنامه باید ترتیبی اتخاذ شود که بین دادگاه ویژه جرایم اطفال و نوجوانان، دادسرای مربوطه، کانون اصلاح و تربیت، انجمن حمایت از زندانیان، ستاد دیه حوزه مربوطه، سازمان بهزیستی و سایر سازمان‌ها و نهادهای مددکاری و حمایتی و شورای حل اختلاف ویژه اطفال و نوجوانان ارتباطی هماهنگ و همکاری و تعامل همه جانبه ایجاد گردد.

ج- معاونت آموزش قوه قضائیه و دادگستری کل هر استان برنامه ادوار آموزشی مناسب را تهیه و با هماهنگی اجراء خواهند نمود.

چ- گزارش عملکرد شورای حل اختلاف ویژه اطفال و نوجوانان از طریق معاونت شوراهای حل اختلاف دادگستری هر استان به اداره کل امور استانها و حوزه ریاست ارسال خواهد شد.

رؤسای کل دادگستری استانها مسؤول اجرای این بخشنامه بوده و اداره کل امور استانها و سازمانهای وابسته قوه قضائیه مسؤول نظارت بر حُسن اجرای آن خواهد بود.

رئیس قوه قضائیه- سیدمحمود هاشمی شاهرودی

۲- قانون حمایت از کودکان و نوجوانان

مصوب ۲۵ آذر ۱۳۸۱

ماده ۱: کلیه اشخاصی که به سن هجده سال تمام هجری شمسی نرسیده‌اند از حمایت‌های قانونی مذکور در این قانون بهره‌مند می‌شوند.

ماده ۲: هر نوع اذیت و آزار کودکان و نوجوانان که موجب شود به آنان صدمه جسمانی یا روانی و اخلاقی وارد شود و سلامت جسم یا روان آنان را به مخاطره اندازد ممنوع است.

ماده ۳: هرگونه خرید، فروش، بهره‌کشی و به کارگیری کودکان به منظور ارتکاب اعمال خلاف از قبیل قاچاق، ممنوع و مرتکب، حسب مورد علاوه بر جبران خسارات وارده به شش ماه تا یک سال زندان و یا به جزای نقدی از ده میلیون (۱۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا بیست میلیون (۲۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال محکوم خواهد شد.



ماده ۴: هرگونه صدمه و اذیت و آزار و شکنجه جسمی و روحی کودکان و نادیده گرفتن عمدی سلامت و بهداشت روانی و جسمی و ممانعت از تحصیل آنان ممنوع و مرتکب به سه ماه و یک روز تا شش ماه حبس و یا تا ده میلیون (۱۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال جزای نقدی محکوم می‌گردد.

ماده ۵- کودک آزاری از جرائم عمومی بوده و احتیاج به شکایت شاکی خصوصی ندارد.

ماده ۶- کلیه افراد و مؤسسات و مراکزی که به نحوی مسؤولیت نگاهداری و سرپرستی کودکان را بر عهده دارند مکلفند به محض مشاهده موارد کودک آزاری مراتب را جهت پیگرد قانونی مرتکب و اتخاذ تصمیم مقتضی به مقامات صالح قضائی اعلام نمایند.

تخلف از این تکلیف موجب حبس تا شش ماه یا جزای نقدی تا پنج میلیون (۵,۰۰۰,۰۰۰) ریال خواهد بود.

ماده ۷- اقدامات تربیتی در چارچوب ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰/۹/۷ و ماده ۱۱۷۹ قانون مدنی مصوب ۱۳۱۴/۱/۱۹ از شمول این قانون مستثنی است.^۱

ماده ۸- اگر جرائم موضوع این قانون مشمول عناوین دیگر قانونی شود یا در قوانین دیگر حد یا مجازات سنگین‌تری برای آنها مقرر شده باشد، حسب مورد حد شرعی یا مجازات اشد اعمال خواهد شد.

ماده ۹- از تاریخ تصویب این قانون کلیه مقررات مغایر با آن ملغی‌الاثرب می‌گردد.

موادی از قانون آیین دادرسی مدنی دادگاههای عمومی و انقلاب

۳- فصل نهم- سازش و درخواست آن

مبحث اول- سازش

ماده ۱۷۸: در هر مرحله از دادرسی مدنی طرفین می‌توانند دعوی خود را به طریق سازش خاتمه دهند.

^۱- غلامرضا حجتی‌اشرفی:

الف- بند ۱ ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی: اقدامات والدین و اولیاء قانونی و سرپرستان صغار و محجورین که به منظور تأدیب یا حفاظت آنها انجام شود، مشروط به اینکه اقدامات مذکور در حد متعارف تأدیب و محافظت باشد.

ب- ماده ۱۱۷۹ قانون مدنی: ابوبین حق تنبیه طفل خود را دارند ولی به استناد این حق نمی‌توانند طفل خود را خارج از حدود تأدیب، تنبیه نمایند.



ماده ۱۷۹: در صورتی که در دادرسی خواهان یا خوانده متعدد باشند، هر کدام از آنان می‌تواند جدا از سایرین با طرف خود سازش نماید.

ماده ۱۸۰: سازش بین طرفین یا در دفتر اسناد رسمی واقع می‌شود یا در دادگاه و نیز ممکن است در خارج از دادگاه واقع شده و سازش‌نامه غیررسمی باشد.

ماده ۱۸۱: هرگاه سازش در دفتر اسناد رسمی واقع شده باشد، دادگاه ختم موضوع را به موجب سازش‌نامه در پرونده مربوط قید می‌نماید و اجرای آن تابع مقررات راجع به اجرای مفاد اسناد، لازم‌الاجرا خواهد بود.

ماده ۱۸۲: هرگاه سازش در دادگاه واقع شود، موضوع سازش و شرایط آن به ترتیبی که واقع شده در صورت‌مجلس منعکس و به امضای دادرس و یا دادرسان و طرفین می‌رسد.

تبصره- چنانچه سازش در حین اجرای قرار واقع شود، سازش‌نامه تنظیمی توسط قاضی مجری قرار در حکم سازش به عمل آمده در دادگاه است.

ماده ۱۸۳: هرگاه سازش خارج از دادگاه واقع شده و سازش‌نامه غیررسمی باشد طرفین باید در دادگاه حاضر شده و به صحت آن اقرار نمایند. اقرار طرفین در صورت‌مجلس نوشته شده و به امضای دادرس دادگاه و طرفین می‌رسد در صورت عدم حضور طرفین در دادگاه بدون عذر موجه دادگاه بدون توجه به مندرجات سازش‌نامه دادرسی را ادامه خواهد داد.

ماده ۱۸۴: دادگاه پس از حصول سازش بین طرفین به شرح فوق رسیدگی را ختم و مبادرت به صدور گزارش اصلاحی می‌نماید مفاد سازش‌نامه که طبق مواد فوق تنظیم می‌شود نسبت به طرفین و وراثت و قائم‌مقام قانونی آنها نافذ و معتبر است و مانند احکام دادگاهها به موقع اجراء گذاشته می‌شود، چه این که مورد سازش مخصوص به دعوای مطروحه بوده یا شامل دعوای یا امور دیگری باشد.

ماده ۱۸۵: هرگاه سازش محقق نشود، تعهدات و گذشت‌هایی که طرفین هنگام تراضی به سازش به عمل آورده‌اند، لازم‌الرعايه نیست.

مبحث دوم- درخواست سازش

ماده ۱۸۶: هر کس می‌تواند در مورد هر ادعایی از دادگاه نخستین بطور کتبی درخواست نماید که طرف او را برای سازش دعوت کند.



ماده ۱۸۷: ترتیب دعوت برای سازش همان است که برای احضار خوانده مقرر است ولی در دعوت‌نامه باید قید گردد که طرف برای سازش به دادگاه دعوت می‌شود.

ماده ۱۸۸- بعد از حضور طرفین، دادگاه اظهارات آنان را استماع نموده تکلیف به سازش و سعی در انجام آن می‌نماید. در صورت عدم موفقیت به سازش، تحقیقات و عدم موفقیت را در صورت‌مجلس نوشته به امضاء طرفین می‌رساند. هرگاه یکی از طرفین یا هر دو طرف نخواهند امضاء کنند، دادگاه مراتب را در صورت‌مجلس قید می‌کند.

ماده ۱۸۹- در صورتی که دادگاه احراز نماید طرفین حاضر به سازش نیستند آنان را برای طرح دعوا ارشاد خواهد کرد.

ماده ۱۹۰- هرگاه بعد از ابلاغ دعوت‌نامه، طرف حاضر نشد یا به طور کتبی پاسخ دهد که حاضر به سازش نیست، دادگاه مراتب را در صورت‌مجلس قید کرده و به درخواست‌کننده سازش برای اقدام قانونی اعلام می‌نماید.

ماده ۱۹۱- هرگاه طرف بعد از ابلاغ دعوت‌نامه حاضر شده و پس از آن استتکاف از سازش نماید، برابر ماده بالا عمل خواهد شد.

ماده ۱۹۲- استتکاف طرف از حضور در دادگاه یا عدم قبول سازش بعد از حضور در هر حال مانع نمی‌شود که طرفین بار دیگر از همین دادگاه یا دادگاه دیگر خواستار سازش شوند.

ماده ۱۹۳- در صورت حصول سازش بین طرفین برابر مقررات مربوط به سازش در دادگاه عمل خواهد شد.

تبصره- درخواست سازش با پرداخت هزینه دادرسی دعوی غیرمالی و بدون تشریفات مطرح و مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۴- موادی از قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری

فصل پنجم- ترتیب رسیدگی به جرائم اطفال

ماده ۲۱۹: در هر حوزه قضائی و در صورت نیاز یک یا چند شعبه از دادگاههای عمومی برای رسیدگی به کلیه جرائم اطفال اختصاص داده می‌شود.

تبصره ۱: منظور از طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد.

تبصره ۲: در حوزه‌هایی که چنین دادگاهی تشکیل نشده باشد دادگاه عمومی برای مقررات این فصل به جرائم اطفال نیز رسیدگی خواهد کرد.



ماده ۲۲۰: در هنگام رسیدگی به جرائم اطفال، دادگاه مکلف است به ولی یا سرپرست قانونی طفل اعلام نماید در دادگاه شخصاً حضور یابد یا برای او وکیل تعیین کند. چنانچه ولی یا سرپرست قانونی اقدام به تعیین وکیل ننماید و خود نیز حضور نیابد، دادگاه برای طفل وکیل تسخیری تعیین خواهد کرد.

تبصره- به کلیه جرائم اشخاص بالغ کمتر از ۱۸ سال تمام نیز در دادگاه اطفال طبق مقررات عمومی رسیدگی می‌شود.

ماده ۲۲۱: در جرائم اطفال رسیدگی مقدماتی اعم از تعقیب و تحقیق با رعایت مفاد تبصره ماده (۴۳) توسط دادرس و یا به درخواست او توسط قاضی تحقیق انجام می‌گیرد. دادگاه کلیه وظایفی را که برابر قانون بر عهده ضابطین می‌باشد رأساً به عمل خواهد آورد.

ماده ۲۲۲: چنانچه درباره وضعیت روحی و روانی طفل یا ولی یا سرپرست قانونی او یا خانوادگی و محیط معاشرت طفل تحقیقاتی لازم باشد دادگاه می‌تواند به هر وسیله‌ای که مقتضی بداند آن را انجام دهد و یا نظر اشخاص خبره را جلب نماید.

ماده ۲۲۳: احضار طفل برای انجام تحقیقات مقدماتی و رسیدگی در هر مورد از طریق ولی یا سرپرست او به عمل می‌آید، در صورت عدم حضور برابر مقررات این قانون جلب خواهند شد. این امر مانع از احضار و جلب طفل توسط دادگاه نمی‌باشد.

ماده ۲۲۴: در جریان تحقیقات چنانچه ضرورتی به نگهداری طفل نباشد، برای امکان دسترسی به او و جلوگیری از فرار یا پنهان شدن وی با توجه به نوع و اهمیت جرم و دلایل آن، حسب مورد با رعایت مقررات مذکور در مبحث دوم از فصل چهارم باب اول این قانون یکی از تصمیمات زیر اتخاذ خواهد شد:

الف- التزام ولی یا سرپرست قانونی طفل یا شخص دیگری به حاضر کردن طفل در موارد لزوم، با تعیین وجه التزام، اعتبار افرامذکور باید احراز گردد.

ب- ولی یا سرپرست طفل یا شخص دیگری برای آزادی طفل وثیقه مناسب (به نظر دادگاه) بسپارد.

تبصره ۱- در صورتی که نگهداری طفل برای انجام تحقیقات یا جلوگیری از تبانی نظر به اهمیت جرم ضرورت داشته باشد یا طفل ولی یا سرپرست نداشته ولی و سرپرست او حاضر به التزام یا دادن وثیقه نباشند و شخص دیگری نیز به نحوی که فوقاً اشاره شده التزام یا وثیقه ندهد،



طفل متهم تا صدور رأی و اجرای آن در کانون اصلاح و تربیت به صورت موقت نگهداری خواهد شد.

تبصره ۲- اگر در حوزه دادگاه کانون اصلاح و تربیت وجود نداشته باشد به تشخیص دادگاه در محل مناسب دیگری نگهداری خواهد شد.

ماده ۲۲۵: رسیدگی به جرائم اطفال علنی نخواهد بود، در دادگاه فقط اولیاء و سرپرست قانونی طفل و وکیل مدافع و شهود و مطلعین و نماینده کانون اصلاح و تربیت که دادگاه حضور آنان را لازم بداند حاضر خواهند شد. انتشار جریان دادگاه از طریق رسانه‌های گروهی و یا فیلمبرداری و تهیه عکس و افشای هویت و مشخصات طفل متهم ممنوع و متخلف به مجازات قانونی مندرج در ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی محکوم خواهد شد.

ماده ۲۲۶: در صورتی که مصلحت طفل اقتضاء نماید رسیدگی در قسمتی از مراحل دادرسی در غیاب متهم انجام خواهد گرفت و در هر حال رأی دادگاه حضوری محسوب می‌شود.
ماده ۲۲۷: دادگاه به دادخواست مدعی خصوصی برابر مقررات رسیدگی کرده و حکم مقتضی صادر می‌نماید، حضور طفل در دادگاه ضروری نیست.

ماده ۲۲۸: در صورتی که یک یا چند طفل با مشارکت یا معاونت اشخاص دیگر مرتکب جرم شده باشند به جرائم اطفال در دادگاه رسیدگی کننده به جرائم اطفال رسیدگی خواهد شد.

ماده ۲۲۹: دادگاه رسیدگی کننده به جرائم اطفال حسب گزارش‌هایی که از وضع اطفال و تعلیم و تربیت آنان از کانون اصلاح و تربیت دریافت می‌کند می‌تواند در تصمیمات قبلی خود یک‌بار تجدیدنظر نماید، به این طریق که مدت نگهداری را تا یک چهارم تخفیف دهد.

ماده ۲۳۰: آراء دادگاه رسیدگی کننده به جرائم اطفال برابر مقررات مربوط قابل تجدیدنظر می‌باشد.

ماده ۲۳۱: اختصاصی بودن بعضی از شعب دادگاههای عمومی مانع از ارجاع سایر پرونده‌ها به آن شعب نمی‌باشد.

۵- مبحث سوم- صلاحیت دادگاه از قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و

انقلاب در امور کیفری

ماده ۵۱: دادگاهها فقط در حوزه قضائی محل مأموریت خود ایفای وظیفه نموده و در صورت وجود جهات قانونی در مارد زیر شروع به تحقیق و رسیدگی می‌کنند:



الف- جرم در حوزه قضائی آن دادگاه واقع شده باشد.
 ب- جرم در حوزه قضائی دیگری واقع شده ولی در حوزه قضائی آن دادگاه کشف یا متهم در آن حوزه دستگیر شده باشد.
 ج- جرم در حوزه دادگاه دیگری واقع ولی متهم یا مظنون به ارتکاب جرم در حوزه آن دادگاه مقیم باشد.

ماده ۵۲: در مواردی که جرم خارج از حوزه قضائی دادگاه واقع شده ولی در حوزه آن کشف یا مرتکب در حوزه آن دستگیر شده باشد و همچنین در مواردی که دادگاه محل وقوع جرم صلاحیت محلی برای رسیدگی نداشته باشد، دادگاه تحقیقات مقتضی را به عمل آورده و پرونده را همراه با متهم (در صورت دستگیری) نزد دادگاه صالح ارسال می‌دارد.

ماده ۵۳: چنانچه جرمی در محل کشف شود ولی محل وقوع آن معلوم نباشد دادگاه به تحقیقاتی که شروع کرده ادامه می‌دهد تا وقتی که تحقیقات ختم و یا محل وقوع جرم معلوم شود، چنانچه محل وقوع جرم مشخص نگردد، دادگاه رسیدگی را ادامه داده و اقدام به صدور رأی می‌نماید.

ماده ۵۴: متهم در دادگاهی محاکمه می‌شود که جرم در حوزه آن واقع شده است و اگر شخصی مرتکب چند جرم در جاهای مختلف بشود در دادگاهی رسیدگی خواهد شد که مهم‌ترین جرم در حوزه آن واقع شده و چنانچه جرائم ارتكابی از حیث مجازات در یک درجه باشد دادگاهی که مرتب در حوزه آن دستگیر شده رسیدگی می‌نماید و در صورتی که جرائم متهم در حوزه‌های قضائی مختلف واقع شده باشد و متهم دستگیر نشده، دادگاهی که ابتدائاً شروع به تعقیب موضوع نموده، صلاحیت رسیدگی به کلیه جرائم مذکور را دارد.

ماده ۵۵: هر کس متهم به ارتکاب جرائم متعددی باشد که رسیدگی به بعضی از آنها در صلاحیت دادگاه عمومی و بعضی دیگر در صلاحیت دادگاه انقلاب یا نظامی باشد متهم ابتدا در دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به مهم‌ترین اتهام را دارد محاکمه می‌شود و پس از آن برای رسیدگی به اتهام دیگر به دادگاه مربوط اعزام خواهد شد. در صورتی که اتهامات از حیث کیفر مساوی باشد متهم حسب مورد به ترتیب در دادگاه انقلاب و نظامی و عمومی محاکمه می‌شود.

ماده ۵۶: شرکاء و معاونین جرم در دادگاهی محاکمه می‌شوند که صلاحیت رسیدگی به اتهام مجرم اصلی را دارد.



ماده ۵۷: هرگاه یکی از اتباع ایرانی در خارج از قلمرو حاکمیت جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرمی شده و در ایران دستگیر شود در دادگاهی محاکمه می‌شود که در حوزه آن دستگیر شده است.

ماده ۵۸: حل اختلاف در صلاحیت، در امور کیفری طبق قواعد مذکور در کتاب آئین دادرسی در (امور مدنی) خواهد بود.

ماده ۵۹: چنانچه تحقیق از متهم یا استماع شهادت شهود و یا معاینه محل، بازرسی از منزل، جمع‌آوری آلات جرم و به طور کلی هر اقدام دیگر در محلی که خارج از حوزه قضائی دادگاه است لازم شود، دادگاه رسیدگی کننده با اعطاء نیابت قضائی انجام آن را با ذکر صریح موارد از دادگاه آن محل تقاضا می‌نماید. دادگاه اقدامات و تحقیقات مورد تقاضا را انجام داده و اوراق تنظیمی را پس از امضاء با سایر مدارک به دست آمده نزد دادگاه نیابت دهنده اعاده می‌کند.

تبصره- در مواردی که اقرار متهم و یا شهادت شاهد و یا شهادت بر شهادت شاهد، مستند رأی دادگاه می‌باشد، استماع آن توسط قاضی صادرکننده رأی الزامی است.

ماده ۶۰: هنگامی که دادگاه درخواست تحقیق از متهمی را از دادگاه دیگری نماید، می‌تواند نوع تأمین را معین کرده، و یا آن را به نظر دادگاهی که تحقیق از آن درخواست شده است واگذار نماید. در مواردی که دادگاه تقاضا کننده نظری در مورد تأمین اظهار نکرده باشد و یا برای دادگاهی که تحقیق از آن درخواست شده احراز شود که تأمین اخذ نشده و یا آن را نامتناسب تشخیص دهد، به نظر خود تأمین متناسبی اخذ خواهد کرد.

تبصره- دادگاه مجری نیابت می‌تواند انجام مورد نیابت را به قاضی تحقیق محول نماید.

ماده ۶۱: تحقیقات مقدماتی باید سریع انجام شود و تعطیلات مانع از انجام تحقیقات نمی‌شود.



A series of horizontal dotted lines for writing, spanning the width of the page.